

منطقه ۶

طهر مجله

صحف ان زینا

ضمیمه رایگان
روزنامه اصفهان زیبا

دوره جدید
شماره بیست و نهم
پنجشنبه ۶ خرداد ۹۵

ویژه اهالی
منطقه شش شهر اصفهان

مسجد مصلی، تخت فولاد، باغ نگار، سعادت آباد، آینه خانه، فیض، هزارچریب، کوی امام، آبشار و همت آباد

گشت و گذاری در محلات منطقه سفر به سرزمین پاس های امین الدوله

دفتر شهردار به روی همه باز است



نسخه واحدی برای منطقه ۶ نمی توان پیچید

اکرم کیانی | اولویت برنامه های معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری اصفهان محلّه محوری با رویکرد فرهنگی و اجتماعی است. در این زمینه گفت و گو هم محلّه با مهندس مصطفی نباتی نژاد؛ مسوول گروه طرح و برنامه معاون فرهنگی اجتماعی شهرداری اصفهان را می خوانید.

به چه دلایلی برنامه های مدیریت شهری به سمت محلّه محوری سوق یافت؟

عاملی که برنامه ها را به سمت محلّه محوری سوق می دهد، محورهای گستردگی، تنوع و تعدد چالش های فرهنگی اجتماعی است. هر منطقه و محلّه برخوردار از چالش ها، مسائل و اولویت های فرهنگی و اجتماعی متفاوتی است که به طور یقین نمی توان نسخه واحدی را برای بخش ها و محلات نواحی شهر پیچید و ابعاد شهرنشینی بسیار گسترده بوده که از محورهای مهم است. از نگاه عرضه ای با توجه به وجود قابلیت هایی موجود، ارائه خدمات در فرایند مدیریت متمرکز دارای بهره وری پایینی است و همین بهره وری پایین خدمات در فرایند مدیریت متمرکز، برنامه را به سمت مدیریت غیر متمرکز سوق می دهد. این موارد از عمده مسائلی است که ناگزیر برنامه ها و سیاست ها را به سمت منطقه محوری پیش می برد.

وجه تمایز این منطقه از دیگر مناطق شهری چیست؟

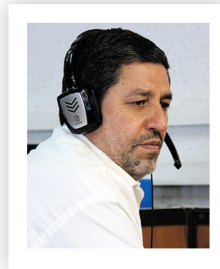
هنگامی که متغیرهای متفاوت در زمینه تحولات، درآمد، متراژ واحد مسکونی، نوع مالکیت، شغل اهالی ساکن در این محلّه را می بینیم، در جمع بندی ها تابعی را نشان می دهند که حاکی از آن است که عمده محلات منطقه ۶ از پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردار هستند. رشد مهاجرت در منطقه ۶ متوسط است. البته در محلات این منطقه بافت فرسوده و میانی هم وجود دارد. محلات اخیر از پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین تری برخوردار هستند که به دلیل همین موارد نمی توانیم نسخه واحدی برای منطقه ۶ طراحی و تهیه کنیم. هر تکه ای از محلات این منطقه دارای تفاوت هایی است با مردمانی که گرایش ها و نگرش های مختلفی دارند و دغدغه هایشان با یکدیگر متفاوت است. محلّه های هزارجریب، سعادت آباد، آینه خانه، فیض و آبشار از پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری برخوردار است.

از لحاظ سرانه فضاهای تفریحی، ورزشی و ظرفیت خدمات رسانی منطقه ۶ را چطور ارزیابی می کنید؟

به لحاظ سرانه فضاهای تفریحی و ورزشی تقریباً از مناطق خوب و با استعدادی است و ظرفیت خدمات رسانی به بخش های دیگری از محلات و مناطق شهری را دارد. وجود نقطه خاص گردشگری در این منطقه قابل اهمیت است. تخت فولاد منطقه ای مذهبی و گردشگری به عنوان دومین قبرستان بزرگ جهان اسلام است و شهرداری اصفهان هم توجه و اهتمام ویژه ای به این بخش را در برنامه ها داشته است.

در حال حاضر عمده اولویتها تعقیب مسائل فرهنگی شهروندی و توجه و اهتمام جدی به مسائل اجتماعی است

مهندس منصور نجفی محلّه محوری را توزیع یکپارچه خدمات در کلیه محلّه های غنی و محروم منطقه می داند و از بالا بودن سطح سواد و آشنایی مردم از حقوقشان، خرسند است.



مدیر منطقه ۶ تاکید کرد:

دفتر شهردار به روی همه باز است

ارگانهای دولتی مستقر شده و سطح سواد مردم بالاست. حتی در همت آباد که از اوضاع مالی خوبی برخوردار نیستند، سطح سواد اهالی بالاست. خرسندیم چون با شهروندانی فهیم روبرویم که با حقوق خود آشنا هستند و باید حقوقشان ادا شود و این بزرگترین امتیاز مردم منطقه است.

بنابراین کار ما در این منطقه سخت تر خواهد بود. شهروندان تمام مسائل به خصوص محاسبات مالی و ریالی را پیگیری هستند و مایلند صحت و سقم محاسبات انجام شده برای آنان از سوی شهرداری واضح شود. همکاران ما به صورت شفاف و با صداقت به شهروندان توضیح می دهند و محاسبات طبق مصوبات شورای شهر انجام می گیرد و یک ریال هم اضافه تر از آنها دریافت نمی شود.

در معاونت فرهنگی شناسنامه ای شامل وسعت، جمعیت، نیازها و تمام مشخصات محلّه های منطقه ۶ تنظیم و این اطلاعات و نیازسنجی ها باعث شده که برنامه ریزی منظمی در محلات صورت گیرد و طبق نیازها، خدمات لازم را ارائه دهیم. در ضمن چنانچه ساکنان بافت های فرسوده جهت نوسازی منازل خود به شهرداری منطقه مراجعه کنند، شهرداری از آنان حمایت خواهد کرد.

قرار گرفت: از جمله اتوبان شهید دستگردی، اتوبان شهید همت، خیابان فرایبورگ، زیر گذر حضرت سجاد(ع)، خیابان شهید لای و خیابان سپهسالار. سپس پروژه های شاخصی چون مرکز همایش های بین المللی و تقاطع اشکوند اجرا شد. با هدف محلّه محوری، به این شیوه سعی در حل مشکلات اساسی مردم نموده ایم که جزئی ترین خدمات چون آسفالت گرفته تا خدمات وسیعتر، یکپارچه شود و به صورت یکسان بین همه محلات منطقه توزیع گردد.

شهروندان پیگیر تمام مسائل و

مردم ناظران ماهستند که حقوق بگیر مانستند و هر مشکلی را که رصد می کنند همین که اطلاع دهند، برطرف خواهیم کرد و این بزرگترین خدمت ما به مردم است و خدمت مردم به شهر.

محاسبات مالی اند

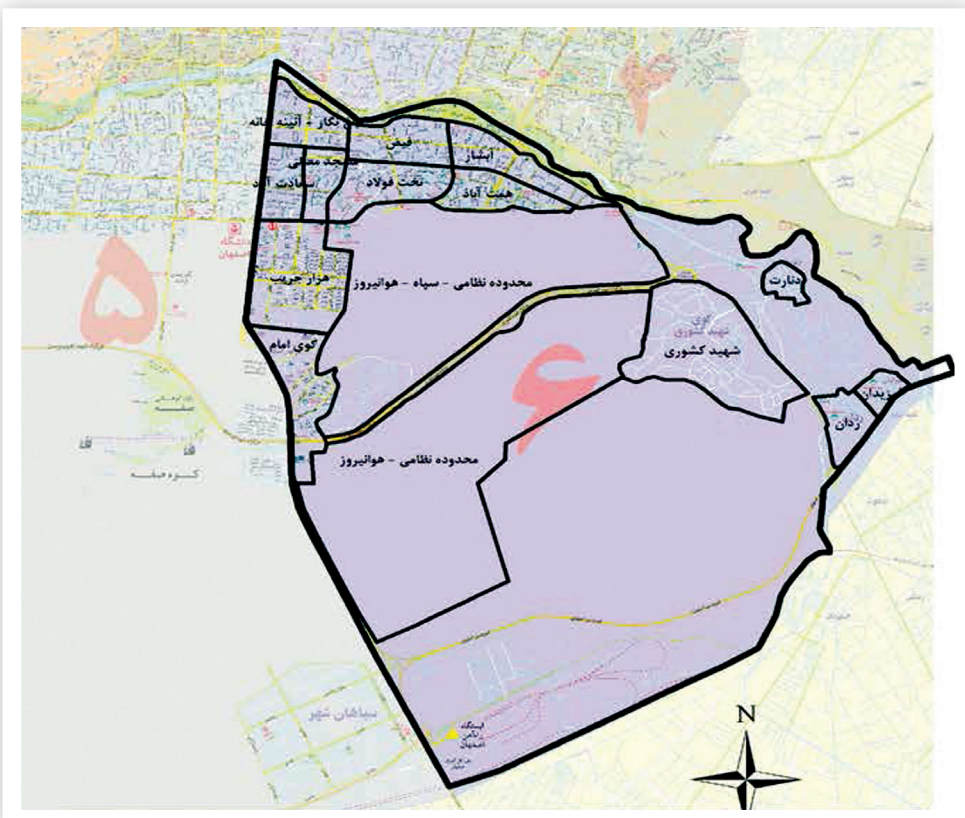
منطقه ۶ یک منطقه خاص است ولی در ذهن مردم و مسئولین یک منطقه برخوردار، در این منطقه، از مزار گذشتگان گرفته تا دادگستری و دیگر

آزاده فخاری | فضای سبز و آدمکهای گلدانی محوطه بیرونی ساختمان اداری شهرداری منطقه ۶ نظماً راجلب کرد و نشستن بر روی نیمکت انتظار را آسوده. بالاخره وارد دفتر آقای مدیر شدیم و با مهندس منصور نجفی مدیر جدید منطقه ۶ که قبلاً نیز سابقه خدمت در مناطق مختلف شهری را داشته است به گفت نشستیم.

هدف محلّه محوری حل مشکلات اساسی مردم است

هر منطقه از محلّه هایی تشکیل شده که بعضی از آنها در بافت های فرسوده و برخی در بافت نوساز قرار دارند و این اختلاف اقتصادی، باعث می شود که توزیع خدمات بین محلّه های یک منطقه، دچار تناقض یا تضعیف حق در بعضی مناطق شود. به همین علت در راستای محلّه محوری، در توزیع یکسان و یکپارچه خدمات در کلیه محلّه های مختلف منطقه تلاش نموده ایم. اگر خدماتی مثلاً در محلّه هزارجریب ارائه شده، در محلّه همت آباد نیز اجرا شده است.

روند محلّه محوری را حدود شش سال قبل آغاز نمودیم و قبل از آن اجرا و بهره برداری پروژه های سنگین شهری واقع در منطقه ۶ در دستور کار بود که از سال ۸۴ تا حدود سال ۸۸ جمع بندی و در خدمت شهروندان



کارشناس اجتماعی شهرداری از طرح همیاران شهرداری می گوید

مشارکت ۳۰۰ شهروند در اداره امور منطقه



منطقه ۶ شهرداری طرح همیاران محله را ارائه کرده است که در این طرح افراد در زمینه های مختلف براساس توانایی خود. در فرهنگسراها و ورزشگاه ها به صورت داوطلبان خدمت می کنند.

طاهره جعفری | کارشناس اجتماعی شهرداری منطقه ۶ در تشریح ویژگی های طرح همیاران بیان داشت: همیاران افرادی هستند که در محله های مختلف منطقه ۶ زندگی می کنند و براساس توانایی های هنری، مذهبی، علمی و آموزشی خود در مکان های مشخص شده ثبت نام و اعلام آمادگی با شهرداری می کنند.

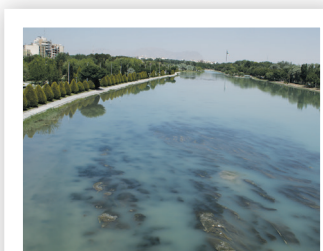
حسن مزروعی افزود: شهرداری از طریق پوستر و بروشور به کلیه شهروندان منطقه اطلاع رسانی کرده و داوطلبان به مراکز اعلام شده مراجعه کرده و فرم های ثبت نام در اختیار آنها قرار گرفته است. در این طرح افراد رزومه کاری خود را ضمن ثبت نام ارائه می دهند. شهرداری در این منطقه هرگاه در یکی از فرهنگسراها یا ورزشگاه ها نیاز به نیرویی داشت که در یکی از زمینه های مختلف علمی یا هنری توانایی لازم را دارا باشد، از همان نیرو و پتانسیل موجود در محله یا محلات مجاور کمک می گیرد.

به نظر وی در این طرح هویت محله شناخته و مردم کار در محله خود را به عنوان یک هویت محلی می شناسند. پتانسیل های محله شناسایی و اگر قرار باشد افراد کاری انجام دهند.

آن را در محله خودشان با رغبت بیشتری انجام می دهند. ترجیح ما این بود که در کارهای فرهنگی از پتانسیل موجود در منطقه بیشتر استفاده و در هر محله بستگی به نوع فرهنگ و تمدن خودش طبیعتا نیازسنجی با محله های دیگر متفاوت است.

در ضمن این گروه همیاری می توانند کمک فکری خیلی خوبی برای فعالان فرهنگی شهر باشند.

مزروعی در پایان گفت: حدودا ۳۰۰ نفر از شهروندان اهالی محلی اعلام همیاری کرده اند که مشارکت اهالی منطقه را نشان می دهد و شهرداری قطعا در مشارکت بحث های فرهنگی محلی از این همیاران استفاده می کند.



محله آبشار از محلات وسیع منطقه است که برای آشنایی با آن وارد یکی از خیابان های آن با نام ۱۵ خرداد می شوم

دیگر خبری از آبشار نیست در دالان بهشت

بیلاکلهانی | **وجه تسمیه:**

در لغتنامه دهخدا آمده: آبشار در لغت به معنی آب جوی یا نهری بزرگ است که از بلندی با شدت فرو ریزد. این نام برگرفته از نام کاخ آبشار حاج محمد حسین کازرونی از تجار و بزرگان اصفهان در دوره معاصر است.

همچنین جمشید مظاهری، محقق اصفهان شناسی درباره وجه تسمیه آبشار می گوید: جلوی قسمتی از رودخانه زاینده رود را به صورت دستی سنگ چیده بودند که آب از آن پایین می ریخت ولی این آبشار ارتفاع زیادی نداشت و به سمت باغ کازرونی که به آن باغ کاکا حسین می گفتند، می رفت. اطراف این خیابان درخت های درهم تنیده ای بود که سایبانی در سراسر خیابان ایجاد کرده بود و عوام به آن دالون بهشت می گفتند.

محله ای وسیع و خیابانی نسبتا خلوت

از خیابان ۱۵ خرداد وارد محله آبشار می شوم. محله آبشار از محلاتی است که بسیار وسیع است. به طوری که این خیابان تنها گوشه ای از آن را شامل می شود.

ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه روز پنجشنبه است. خیابان خلوت و چندان خودرویی عبور نمی کند. در دو سمت خیابان و زیر درختان هم مغازه دارن ماشین خود را پارک کرده و مشغول کاسی بودند. مغازه هایی که از پوشاکی و خوراکی گرفته تا تعمیراتی و غیره امکانات رفاهی محله را تشکیل می دهد.

آبشاری که دیگر خبری از آن نیست

برای اطلاع از شکل و شمایل قدیم سراغ قدیمی ها را می گیریم که محمد حری نجف آبادی، فروشنده قطعات برق و الکترونیک را معرفی می کنند.

داخل مغازه که می شوم، مرد مسن و درشت هیكلی را می بینم که در حال فروش تعدادی پریز به خانمی است. کمی صبر می کنم تا کار مشتری را راه بیندازد.

بعد از آن اول از همه از سنش می پرسم که با خنده می گوید: من سنی ندارم، تازه ۱۶ سال دیگر ۱۰۰ سالم می شود! به نظر سرزنده می آید و با خوشرویی به سوالات دیگرم پاسخ می دهد: من از ۱۲ سالگی ساکن اینجا شدم و آن زمان یادمه که اینجا تمامش باغ و صحرا بود، از حدود ۵۰ سال پیش شروع به ساخت و ساز شد و به مرور خیابان و امکانات دیگر پیدا کرد.

بعد از کمی مکث آهی می کشد و ادامه می دهد: آن موقع صفایی داشت، باغ های زیادی بود که بعضی از باغ ها کلی توت داشت و برای همین بعضی از این محدوده ها به باغ توت معروف بود.

یک مادی پرآب هم داشت و آبشاری که از زاینده رود هنوز صدایش تو گوشم هست، اینکه آبشار به این محله

در اینجا یک مادی پرآب داشت و آبشاری که از زاینده رود هنوز صدایش تو گوشم هست، اینکه آبشار به این محله می گفتند، دلیلش همین است

می گفتند، دلیلش همین است. از طرف دیگر قدیم ها مردم با هم برو بیایی داشتند و رفتارشان با همدیگر بهتر بود، اما حالا...

یاد باغ توت آن روزها به خیر

برای اینکه اطلاعات بیشتری بگیرم،

شخص دیگری را معرفی می کنند که متاسفانه وی را نمی یابم، پس به سراغ پیرمرد ۸۵ ساله بنا به توصیه یکی دو نفر از مغازه داران می روم که به جای او زنی فرنتوت با نام بتول زیدی و ۷۵ سال سن که همسروی است، از لای در خانه قدیمی اش چنین می گوید: شوهرم چیزی یادش نیست.

از خودش که می پرسم، کمی لای در را بیشتر باز، گره روسری کرمی رنگش را سفت می کند و به یاد قدیم می گوید: نه! آن موقع وقتی آمدیم اینجا فقط چهار پنج تا خانه بود، نه آبی داشت و نه امکاناتی. تمام زمین ها کشاورزی بود و باغ که پر از درختان میوه مثل آلوچه، گیلاس، زردآلو بود و از همه بیشتر درخت توت در باغ ها بود که جایش خالی است.

از مشاغل اهالی که می پرسم، اغلب آنها را در قدیم کشاورز و کارگر و حالا کارمند و مشاغل آزاد می داند.

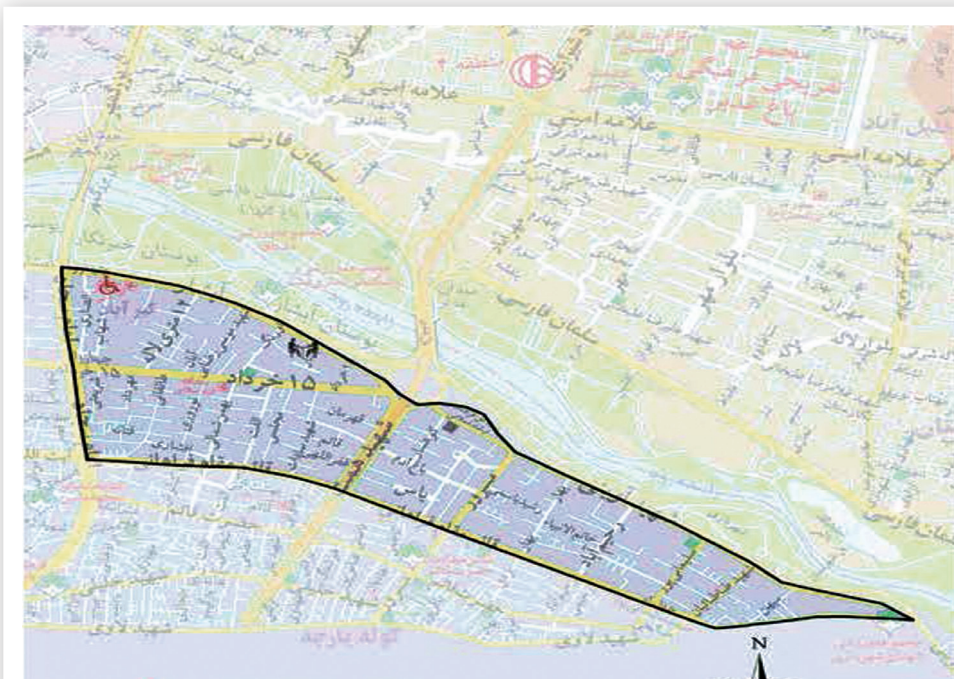
اینجا همه جور امکاناتی هست

برای اطلاع از موقعیت فعلی با چند تا از خانم های جوان که در حال قدم زدن هستند، صحبت می کنم و چنین می شنوم: اینجا هم در خیابان و هم کوچه هایش مغازه های زیادی که می تواند مایحتاج اهالی را تامین کند، موجود است.

از لحاظ مکان های فرهنگی هم مسجد و حسینیه با مدارس در دسترس هست.

خط اتوبوس و تاکسی هم دارد. یک پارک سرسبز هم در این نزدیکی هست که با حاشیه زاینده رود از مکان های تفریحی مردم منطقه را تشکیل می دهد.

از دیگر ویژگی های منطقه آرامش و امنیت محله است که برخی در پرس و جوی ما به آن اشاره می کنند.



شفاف‌سازی اختیارات شهرداری در گفت‌وگو با معاون مالی اداری

مشکلات محله‌ها بر اساس نیازها اولویت‌بندی می‌شوند



نجمه لندی | معاون مالی اداری شهرداری منطقه ۶ بیان داشت: در دهه ۶۰ یک نفر از اهالی منطقه به عنوان نماینده نقش سازنده‌ای بین شهرداری و اهالی را ایفا می‌کرد و مردم محله‌ها یک حساب مالی تحت عنوان مشارکت‌ها با امضای نماینده مردم و شهردار داشتند که یک سری از درآمدهای شهرداری در آن اریز می‌شد و با امضای شهردار و زیرنظر نماینده مردم، در محله‌ها خرج می‌شد.

بعد از مدتی به دلیل مشکلات و ایرادهای قانونی که در این کار بود این طرح منتهی شد و از آن زمان به بعد نقش نماینده محل کم‌رنگ‌تر شد. مجید انتظامی در خصوص محله‌محوری در حوزه مالی اداری به خبرنگار «هم‌محله» گفت: در واحد مالی قبل از تصویب بودجه، اطلاعات محله‌ها جمع‌آوری شده و براساس نیازها، مشکلات محلات اولویت‌بندی می‌شوند و در جلسه مطرح می‌شود. وی افزود: در حوزه معاونت مالی اداری دو وظیفه داریم یکی بحث درآمد و دیگر بحث هزینه.

در قسمت درآمد معاون اداری مالی نقش پررنگی دارد اما در بخش هزینه معاونت‌های مربوطه براساس بودجه تصویب شده و اولویت‌بندی‌ها برای اجرای پروژه‌ها اقدام می‌کنند و پرداخت‌ها هم از طریق سیستم مالی صورت می‌گیرد. انتظامی درباره وظایف حوزه اداری می‌گوید: مردم محله برای پیگیری مشکلات خود مانند درخواست آسفالت، فضای سبز، قطع درختان و... به شهرداری مراجعه می‌کنند و در ابتدای کار با معاون اداری مالی سروکار دارند. بعد کارها دسته‌بندی می‌شود و به همکاران در معاونت‌های دیگر ارجاع داده می‌شود.

معاون مالی منطقه در ادامه افزود: بحث‌های مالی با اقتصاد مردم سروکار دارد و بیشتر مردم گرفتار مشکلات معیشتی زندگی خود هستند و در اینجا باید مبلغی را بابت گرفتن پروانه هزینه کنند زیاد دل خوش ندارند. مثلاً کسی مراجعه می‌کند تا برای ساختن یا اضافه کردن قسمتی به ملک خود (ملکی که ساخته شده و در آن زندگی می‌کند) اقدام کند زمانی که به شهرداری مراجعه می‌کند به علت نداشتن آگاهی نسبت به قوانین، انتظار پرداخت هیچ هزینه‌ای را ندارد و همین مسائل موجب ناراحتی او می‌شود. البته طبق مصوبه سال ۸۶ شورای اسلامی شهر در خصوص تخفیف و یا تقسیط تراکم‌های مسکونی تا حدی به ما اختیارات داده شده که ما نیز از آن استفاده می‌کنیم، اما بیشتر افراد به خاطر پرداختی که باید داشته باشند ابراز ناراحتی می‌کنند.

وی در پایان گفت: سعی کرده‌ایم با شفاف‌سازی قانون و مصوبه‌های آن و استفاده از حداکثر اختیارات قانونی این ناراحتی را کم کنیم.

تابلوی کوچه باغ‌نگار به چشم می‌خورد، اینجا شروع محله باغ‌نگار است که سر دیگرش می‌خورد به چهارباغ بالا. این محله که در مجاورت آیینه‌خانه و باغ زرشک قرار گرفته است، ۸۵ هکتار وسعت دارد.

سایه شلوغی و ترافیک برآرامش مردم

باغ‌نگار نگاری بدون باغ



کوثر هم هست که آن هم شلوغی و مشتری خودش را دارد.» پسر جوانی که چند دقیقه‌ای است وارد مغازه و متوجه صحبت‌مان شده، همانطور که از مغازه خارج می‌شود می‌گوید: «مشکل این محل اغذیه‌فروشی سر کوچه‌هاست جای پارک ندارد همین باعث ترافیک کوچه‌ها می‌شود.» زاهدی صحبتش را ادامه می‌دهد و می‌گوید: «یک منزل کلنگی سر کوچه است که نه عقب نشینی می‌کند و نه می‌سازد، شده زباله‌دانی دهانه کوچه را هم تنگ کرده است.» عباسی هم که هشتاد و چند بهار از عمرش را سپری کرده و حالا پنج سالی می‌شود نگهبان بن بست گل‌هاست. کوچه نهضت تا آخرش را جزء محله باغ‌نگار می‌داند و می‌گوید: «محله خوب و دنجی است به جز روزهای تعطیل که به خاطر پارک شلوغ می‌شود. آدم‌های اینجا همه هم را می‌شناسند ولی کاری به کار هم ندارند، سرشان به کار خودشان است.» او که ساکن یکی از محله‌های محروم اصفهان است وقتی از او می‌خواهم محله خودشان را با اینجا مقایسه کند. خیلی کنش داری تحویل می‌دهد و با خنده باز تکرار می‌کند، خیلی.

منیره فهمی | وارد بلوار آیینه‌خانه می‌شوم. در قسمت جنوبی سی‌وسه پل روبه روی پارک کوچه شماره ۴ قرار گرفته که وقتی چند متری داخلش بشوی تابلوی کوچه باغ‌نگار به چشم می‌خورد، اینجا شروع محله باغ‌نگار است که سر دیگرش می‌خورد به چهارباغ بالا. این محله که در مجاورت آیینه‌خانه و باغ زرشک قرار گرفته است ۸۵ هکتار وسعت دارد.

نگار، صحرا، باغ‌نگار و... نام ساختمان‌های سر به فلک کشیده کوچه باغ‌نگار است که منظم و ممتد در دو سمت کوچه صف گرفته‌اند، بدون اینکه بن بست یا مغازه‌ای بینشان فاصله‌انداخته باشد. محله‌ای که تنها آپارتمان‌های نوساز نامش را یدک می‌کشند و بس. انتهای کوچه سمت راست تابلوی اداره کل اموال و املاک استان اصفهان به چشم می‌خورد که روبه روی یک مجتمع اداری، تجاری قرار دارد. چراغ‌های مغازه مشاور املاک سی‌وسه پل بیشتر از هر تابلوی دیگری جلب توجه می‌کند و همین بهانه‌ای می‌شود برای صحبت با باقر زاهدی که ۱۵ سالی می‌شود مغازه‌دار این محل است. او می‌گوید: «اینجا محله خوبی است. یک مدرسه باعث شلوغی‌اش

بیشتر وقت‌ها شاهد دعوی راننده‌ها هستیم که از دو طرف می‌آیند و با هم سرشاخ می‌شوند. هیچ کدامشان هم حاضر به عقب‌رفتن نیست

سوال اینجا پارکینگ طبقاتی ندارید؟ می‌گوید: «یک پارکینگ هست که فقط برای هر مغازه یک جای پارک دارد، عمومی نیست. پارکینگ مجتمع



سیاحتی در دیار اهل قبور

خاطری تخت در همجواری تخت پولاد

مدای دلنشین اذان آرامش همیشگی تخت پولاد را دو چندان می‌کند. مسجد رکن الملک و مردم محل که مشتری‌های همیشگی مسجدند

منیره فهیمی | در وجه تسمیه تخت پولاد آمده است: این آرامستان تنها مزار باقی مانده از قبرستان‌های متعدد دوران اسلامی شهر اصفهان است و قدمتی حداقل از سده چهار هجری قمری دارد. این مکان در جنوب شرقی شهر در کنار زاینده رود گسترده شده و به نام‌های لسان الارض، بابارکن الدین و سرانجام تخت پولاد نامیده شده است. عده‌ای معتقدند که نام تخت پولاد برگرفته از نام بابا فولاد حلویایی، عارف نیمه سده ۱۰ هجری قمری است و نزدیک بودن مزار ایشان با این قبرستان سبب شده به این نام شهرت یابد.

محل‌های با آرامشی همیشگی

حاجیه خانم خلیلی از اهالی محل به سمت مسجد رکن الملک می‌رود. از او در باره محلّه تخت پولاد و آدم‌هایش می‌پرسیم؟ سرش را به نشانه تأکید تکان می‌دهد، دستش را بر چانه‌اش می‌کشد و می‌گوید: «اینجا همه مومن و خوبند. نورایمان آدم‌هایی که اینجا خاکند روی مردم تأثیر می‌گذارد.» وقتی وارد کوچه والّه اصفهانی می‌شوم، سر کوچه چشمم می‌خورد به تابلوی اسامی مقبره‌هایی چون تکیه تویسرکانی، خاتون‌آبادی، سیدالعرفین، میرفندرسکی و... صدای حرف‌های آخر خانم خلیلی در گوشم می‌پیچد که

گفت: «مگر می‌شود کنار این عالمان و مردان خدازندگی کرد و بود بود.» کارگاه‌های صافکاری و نقاشی خودرو، جوشکاری، درب و پنجره‌سازی و یک طبخ‌چی در بین آنها مغازه‌های ابتدای کوچه والّه هستند. کمی جلوتر سبدهای متنوع گل نظرم را به خود جلب می‌کند. آقای محمدی جلوی مغازه‌اش ایستاده است. او ۱۵ سالگی می‌شود در این محل کاسبی دارد و زندگی می‌کند. او درباره محلّه تخت پولاد می‌گوید: «اینجا محلّه آرام و خوبی است. مردمش بیشتر بومی هستند و همه اهل مسجد و روضه.» حسن کیانی ۴۷ ساله و کارمند نیز درباره محلّه می‌گوید: «از نظر وضع معیشتی و اقتصادی بیشتر ساکنان محل در حد متوسط‌اند. از محاسن این محل می‌شود به فراوانی جای پارک ماشین بر خلاف بعضی از محلّه‌ها و خیابان‌های شهر اشاره کرد.»

خانم فولادی، خانه‌دار و از اهالی درباره مشکلات محلّه می‌گوید: «یکی از مشکلات این محل کمبود ساخت و ساز است. متراژ زمین‌ها خوب است، ولی به خاطر مشرف بودن به آثار تاریخی و میراثی اجازه ساخت دو طبقه بیشتر روی پیلوت را نمی‌دهند.» سید گل را در دستش جا به جا می‌کند و ادامه می‌دهد: «برای همین خیلی از ساکنین ترجیح می‌دهند منازلشان را بازسازی کنند تا ساخت و ساز.» اما محمد سلطانی ۵۲ ساله نظری دیگر دارد و می‌گوید: «وجود خیابان‌کشی‌های جدید در محلّه مانند خیابان دهش باعث رونق ساخت و ساز و نوسازی بخشی از بافت فرسوده تخت پولاد شده است.»

اگر سروکارتان با ساخت و ساز، تعمیر و امور ساختمانی افتاده باشد، کلمه‌هایی مثل پروانه ساخت، تعمیرات و تراکم به خاطر رفت و آمدهای مکرر به شهرداری از ذهنتان نرفتنی شده است.

معاون شهرسازی منطقه ۶ خبر داد:

تعاونی‌های مسکن اجتماعی تشکیل می‌شود

تجمیع شده و بافت محلّه از فرسودگی در بیاید.

محلّه همت آباد ۸۰ هکتار است و حدود ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد که می‌شود ۲۵۳ نفر در هکتار. پلاک‌ها در این محلّه خیلی کوچک و اغلب زیر صد متر هستند.

اهالی محلات از طریق شوراهای محلی می‌توانند نیازها و خواسته‌های خود را به صورت سیستماتیک مطرح و پیگیری کنند و به نتیجه برسانند

اگر این پلاک‌ها را برای ساخت تجمیع کنند، در صورتی که عرض گذر ۸ متر بشود، تا چهار طبقه مجوز ساخت داده می‌شود.

یعنی دو طبقه بیشتر از تراکم که ۱۲۰ درصد است. همچنین اگر عرصه آنها در صورت تجمیع پلاک به دو هزار تا پنج هزار متر برسد، تراکم تشویقی ۱۳ درصد شامل آنها می‌شود.

از هزار تا دو هزار متر ۱۰ درصد و پلاک‌های زیر هزار متر نیز شامل ۵ درصد تراکم تشویقی خواهند شد. محلّه شهید کشوری نیز در حال ساخت بوده و با ۱۱۳ هکتار و ۱۱۰ واحد مسکونی که ۵۰ هزار نفر جمعیت یعنی یک چهارم جمعیت کل منطقه را در خود جای خواهد داد. محلّه‌های دیگر مثل ردان، دنارت و فیزدان نیز به خاطر بافت روستایی بیشتر مشکل تغییر کاربری، ارتفاع و شبکه معابر را دارند.

منیره فهیمی | اگر سروکارتان با ساخت و ساز، تعمیر و امور ساختمانی افتاده باشد کلمه‌هایی مثل پروانه ساخت، تعمیرات و تراکم به خاطر رفت و آمدهای مکرر به شهرداری از ذهنتان نرفتنی شده است. آنجا که معاونت شهرسازی در این زمینه بیشترین ارباب رجوع را دارد، گفت‌وگویی با معاون شهرسازی منطقه ۶ انجام داده‌ایم تا از زبان مهندس سید سعید برهمن از فعالیتهای این معاونت و مشکلات محلّه‌های منطقه جویا شویم.

وظایف اصلی معاونت شهرسازی با محوریت محلّه‌های منطقه چیست؟

تقاضاهایی مانند درخواست پروانه برای ساخت و ساز، مباحث شهری و شهرسازی با توجه به طرح تفصیلی، معابر، فضای سبز، ورزشگاه‌ها و فضاهای آموزشی. البته بخشی از امور به دفاتر پیشخوان دولت در سطح شهر سپرده شده که مردم می‌توانند از آن طریق بعضی از کارهایشان را انجام دهند.

مشکلات و مسائل مهم هر محلّه چیست؟

منطقه ۶ دارای ۱۳ محلّه است که هر کدام ویژگی و شرایط خاص خودش را دارد. مثلاً محلّه‌هایی مانند باغ‌نگار، فیض و آبشار چالش کمتری دارند، ولی محلّه‌های مثل همت‌آباد به دلیل ریزدانی، خانه‌های کوچک و فرسوده مشکلات زیادی دارد که اقداماتی برای برطرف کردن این مشکلات صورت گرفته است.

چه اقداماتی؟

طرح‌های ویژه‌ای مانند طرح مسکن اجتماعی که قرار شده تعاونی‌هایی احداث شود که با کمک سازمان بهسازی و نوسازی پلاک‌ها

وجود خیابان کشی‌های جدید در محلّه مانند خیابان دهش باعث رونق ساخت و ساز و نوسازی بخشی از بافت فرسوده تخت پولاد شده است



با عبور از بزرگراه شهید کشوری به راحتی می‌توانی تابلوی بزرگی را مشاهده کنی که بر روی آن به صورت کاملا واضح کلمه «دنارت» و در کنار آن با فلشی سبز رنگ ورزشگاه شهدای دنارت را نشان می‌دهد.

دنارت، تصفیه‌خانه‌ای محروم از لوله‌کشی فاضلاب

سفر به سرزمین یاس های امین الدوله



بیشتر بومی بودند، اما امروزه هر نوع قشری از ترک، لر، عرب و حتی افغانی در محل ساکن هستند و جمعیت آن به حدود هفت تا هشت هزار نفر می‌رسد. از او در مورد مزیت و حتی مشکلات محل می‌پرسیم؛ خنده تلخی می‌کند و می‌گوید: بهترین مزیت این محل دوری از شهر و برخورداری از همسایه‌های خوب است، اما با این وجود مشکلات فراوانی داریم که مهم‌ترین آنها نبود فاضلاب، نبود داروخانه و حتی بانک است که مردم برای کارهای بانکی باید از محل خارج شوند. در حین صحبت های او، یکی دیگر از اهالی با حالتی عصبانی وارد صحنه می‌شود و می‌گوید: اینجا ورزشگاه نداریم! تعجب می‌کنم، می‌پرسم پس آن تابلو چه بود که می‌گوید: این ورزشگاه سال‌ها قبل با خرید زمین توسط شهرداری ساخته شد، اما بعدها که این ورزشگاه با زمین‌های اطراف آن ساخته شد، مالکان آن مدعی شدند که این مکان متعلق به ماست و ورزشگاه تعطیل شد. او که خود رارقیه آقارب معرفی می‌کند از نبود داروخانه دایمی در محل شکایت دارد و می‌گوید: تنها یک داروخانه در محله دنارت وجود دارد که بیشتر ایام هفته تعطیل است و حتی درمانگاه هم برای اهالی محل در نظر گرفته نشده است. این خانم که به خوبی با محله دنارت آشناست و یکی از اقوام آقای زینعلی است از نبودن فاضلاب و بیرون زدن آن بسیار شاکی است و می‌گوید: در هفته ناکزیریم دو یا سه بار فاضلاب را تخلیه کنیم. برخی مواقع حتی زمان پرشدن فاضلاب کوتاه می‌شود و آب فاضلاب خانه و حتی کوچه را می‌گیرد و آن وقت نور علی نور می‌شود. از اهالی دیگر ساکن در محل حسین اسماعیلی دنارتی است که به جاده کنار رودخانه که در نزدیکی محله دنارت قرار دارد، اشاره می‌کند و می‌افزاید: بعد از ظهرها این محل جای خوبی برای تجمع معتادان است و اگر وارد این منطقه شوید، انواع و اقسام ماشین‌های پارک شده‌ای را در محل می‌بینید که انواع اقسام کارهای خلاف در آنجا انجام می‌شود.

زمانی که در دست دارد پدر خود را که یکی از اهالی قدیمی محله است برای مصاحبه نزد من بیاورد. محمد زینعلی، معتمد محل یکی از قدیمی‌های دنارت است که از زمان تولد در این مکان بوده است و اکنون تعداد زیادی از اقوام او در این محله ساکن هستند؛ حتی به گفته خودش اینجا همه به نوعی با یکدیگر فامیل می‌شوند، بنابراین از این نظر هیچ‌گونه مشکلی نیست. در این حالت دستی بر صورت می‌کشد و به تصفیه خانه فاضلاب اشاره می‌کند و می‌گوید: دنارت با تصفیه خانه فاصله چندانی ندارد و هر شب ساکنان محل با بوییی که از این تصفیه خانه به مشام می‌رسد شب را به صبح می‌رسانند، اما کل منطقه از فاضلاب محروم است و بسیاری از خانه‌ها از نبود آن در رنج هستند. او به قدیم‌ها اشاره دارد که ساکنان محل

به کودکی خود اشاره می‌کند و می‌گوید: از کودکی در این مکان هستم و اکنون ۶۰ ساله است که از آن زمان می‌گذرد. «دنارت» یکی از روستاهای وابسته به شهر اصفهان است، البته در مورد وجه تسمیه آن هیچ‌گونه اطلاعاتی در دست نیست و حتی خود اهالی محل هم علت نام‌گذاری آن را نمی‌دانند، البته برخی از افراد معتقدند که این محله قبل‌ها به نام ارغوان معروف بوده است. از او خداحافظی می‌کنم. صدای چند بلبل من را به آن طرف خیابان می‌کشاند که مغازه میوه‌فروشی نیز در آنجا قرار دارد، حال و هوای این پرندگان من را هم با خود به باغ‌های قدیم می‌برد؛ گویی در یکی از باغ‌های زیبای اصفهان قرار دارم. داخل مغازه می‌شوم. مردی تقریباً ۴۰ ساله داخل مغازه است. از او سراغ یکی از ریش سفیدان محل را می‌گیرم و او با گرمی پذیرای من است تا بتواند در اندک

زینب دبیری | دنارت یکی از روستاهای وابسته به شهر اصفهان است که از ترکیب دو واژه دین و ارت تشکیل شده است که دین به معنای طریقه و روش و «ارت» در زبان اوستایی به معنای مقدس است. این واژه در مجموع به معنای جایگاه دین مقدس است و معلوم می‌شود در روزگاران کهن بین این محل و دین زردشتی ارتباطی بوده است. ارد بعدا به ارد (در کلمه ای مانند اردوان) شد، یعنی ت به د تبدیل شد؛ چنانچه در واژه‌هایی مانند اردبیل یا اردکان می‌بینیم، این واژه معادل آشه یا آشون اوستایی به معنای پاک و مقدس نام گرفت. دنارت از مادی شایع شش سهم و از مادی روسا ۲۰ سهم حق آبه دارد و آرامگاه امامزاده سلطان محمد در روستای دنارت در فاصله ۶ کیلومتری شهر اصفهان قرار دارد. نسبت به این امامزاده به عقیده بزرگان روستا به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد و وسعت دنارت حدود ۲۹ هکتار برآورد شده است. گل‌های یاس عین الدوله در ابتدای ورودی دنارت به استقبال می‌آیند و تو می‌توانی به راحتی حدس بزنی که این ناحیه در مقایسه با دیگر نواحی شهر حالت روستایی خود را حفظ کرده است. وارد محله که می‌شوم، از نگاه پرسشگر اهالی می‌توان فهمید که اهالی آنجا با یکدیگر آشنا هستند و تشخیص غریبه برای آنان کار سختی نیست. محله از مغازه‌های بومی تشکیل شده است که روزگاری در دهه ۶۰ در بسیاری از محله‌های شهر نیز شاهد آن بودیم. در واقع با ورود به این منطقه، نوعی ورود به خاطرات قدیم را برابیم تداعی می‌کند. حدود ساعت ۸:۳۰ صبح است تمام اهالی آبی درب خانه ریخته‌اند و صفای خاصی به محله داده است، مغازه‌یقالی در کنار یک خیابان توجه‌ام را به خود جلب می‌کند. در اینجا به راحتی از نان‌های محلی تا شیر و حتی عسل می‌توانی خریداری کنی. از ینقال می‌خواهم کمی در مورد محل برابیم بگویم و از علت نام‌گذاری محله برابیم تعریف کند. او البته در گفت‌وگو کمی سرسخت است، با این حال



دنارت از مادی شایع شش سهم و از مادی روسا ۲۰ سهم حق آبه دارد و آرامگاه امامزاده سلطان محمد در روستای دنارت در فاصله شش کیلومتری شهر اصفهان قرار دارد

ردان توجه بیشتری می خواهد

محله‌ای که بانام سرداران شهید معروف شد

با اینکه محله ردان در نزدیکی محل تاسیس سالن اجلاس قرار گرفته است، اما چندان پیشرفتی نداشته و ساکنان آن امیدوارند با گسترش این سالن شاهد افزایش قیمت زمین و ساخت و ساز در این ناحیه باشند.

سنگ آب

ویژگی‌های طرح محله محور از منظر معاون عمران شهری

دنارت محله محور می شود



محله محوری یک بحث اجتماعی است. وقتی یک مکانی محله محور شود، از تمرکزگرایی دور و تمرکززدایی می‌شود و با مشارکت و کمک مردم، شهرداری می‌تواند به اهداف خود در آن محله برسد

طاهره جعفری | به گفته معاون عمران شهری منطقه از سال ۹۵ قرار شده در مناطق پانزده‌گانه شهرداری اصفهان یک محله انتخاب و طرح‌های محله محور بر روی آن انجام شود. این طرح‌ها باعث می‌شود شهرداری به کمک و مشارکت مردم بتواند به اهداف مورد نظر خود و رفاه اجتماعی دست پیدا کند و دید از بالا را تبدیل به برنامه ریزی از پایین کند و خود مردم مشارکت نمایند.

به نظر سید سلمان قاضی عسکر، این برنامه از دو نظر اهمیت دارد. یکی شکل‌گیری تدریجی گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی محله و دوم استفاده از توان محله در مورد توسعه و رشد کیفی و کمی محله. محله‌ای که در منطقه شش قرار است برنامه محله محور بر روی آن انجام شود، محله دنارت است که بعد از شناخت و تحلیل اولیه چشم‌انداز و سناریو تعریف و سپس اهداف مورد نظر در آن محله مشخص شده است. به اعتقاد قاضی عسکر، این محله مجموعه‌ای از کیفیت‌های خصوصی و عمومی است. از جمله کیفیت‌های عمومی این محله پیچیدگی بصری و نفوذپذیری و کیفیت خاص این محله منحصر به فرد و دنج بودن آن است که در این راستا جلساتی برگزار و نظرات مردم جمع‌آوری و با محله‌های همجوار بررسی و روند آن را با طرح‌های کلان شهری مقایسه کردیم. قاضی عسکر می‌گوید: تحلیلی برمساله مهاجرپذیری و مهاجرفرستی این محله ضروری بود. مطالعات پایه مثل موقعیت محله، همجواری‌ها، جانمایی، وضعیت کالبدی و... نیز تحلیل شد. کاربری‌های تجاری و مسکونی به همراه درصد آنها مشخص شد و شاخصه‌های محله مثل مسجد، امام‌زاده، کیفیت بناها، قدمت، مشخصات محله، بحث حرکت‌ها، خیابان‌ها، دسترسی‌ها همه مورد بررسی قرار گرفت. بعد از این بررسی‌ها، به تشخیص مسائل کلیدی، توانایی‌ها و ظرفیت‌های محله رسیدیم که در این زمینه نظرات و انگیزه‌های مشارکت بیشتر مردم راهگشا بود. حتی هنجارها و سرمایه‌های محله بررسی شد. وی ادامه داد: به نظر می‌رسد چهار سناریوی احداث خیابان، انتقال دکل برق از محله، محوریت امامزاده و ساماندهی اطراف آن اگر انجام شود باعث ارتقای کیفی محله می‌شود. موارد دیگر شامل اتصال دنارت به محله‌های فیزدان و ردان و احداث بازارچه محصولات دامی، صنایع دستی، کشاورزی با محلات مجاور است. این طرح‌های بلندمدتی است که در ارتقای محله دنارت در بلندمدت تاثیر بسزایی دارد.

متقاضی سکونت در محل است، باید نظر بزرگان را جلب کند. در این میان یکی از ساکنان محل که برای خرید به سوپرمارکت آمده است، می‌گوید: این محل زادگاه بسیاری از شهیداست و یکی از معروف‌ترین آنان شهید ردانی پور معروف است و حتی اولین شهید کل این ناحیه شهید حجت الله صادقیان بود که در اوایل جنگ به فیض شهادت نایل شده است.

او که خودش برادر یکی از شهدای محل است و از اعلام نام خود امتناع دارد، می‌افزاید: با وجودی که سالیان سال است در این محل ساکنم، اما در یک خانه ۶۰ متری زندگی می‌کنم در حالی که زمین‌های زیادی داریم که ۱۵ سال است در طرح شهرداری قرار گرفته که اجازه ساخت آن را به ما نمی‌دهند.

حاج حسین ردانی پور نیز پیرمردی است که در سایه مغازه در حال چرت زدن است. وقتی صدای ما را می‌شنود با صدای بلند می‌گوید: دخترم در دفترت یادداشت کن اینجا نانوائی نداریم، حتی عابربانکم نداریم، اما یک چند ماهی است که یکی از مغازه‌داران یک عابربانک در محل نصب کرده که جوابگوی نیاز همه نیست. شهرداری هم تنها کاری که کرده یک خط اتوبوس است که تا پل بزرگمهر می‌رود و در نهایت جمع‌آوری یک شب در میان زباله‌هاست، اما در دیگر موارد به هیچ وجه امکاناتی وجود ندارد.

کشاورزی است، البته در گوشه و کنار شهر نیز شاهد ساختمان‌سازی‌های جدیدی هستی که بیانگر رونق زمین‌های این منطقه است. داریوش مولایی، یکی از کسبه محل است که سالیان سال است در این

خوش خلقی، رفتار مناسب، صبورشکیبایی، راهنمایی کامل و بجا کمک بزرگی برای جلب رضایت مردم است

محل با اقوام خود زندگی می‌کند. او در مورد این محله می‌گوید: سالیان سال است که از قدمت این محل می‌گذرد. درست است که تبدیل به شهر شده، اما بومی‌ت خود را حفظ کرده و بیشتر ساکنان آن کشاورز هستند، اما امروز به دلیل خشکسالی بیشتر اهالی شاغل در مراکز دولتی و ادارات هستند و دیگر کسی به غیر از قدیمی‌ها کشاورزی نمی‌کند. او جمعیت این محله را حدود دو تا سه هزار نفر می‌داند و می‌گوید: بیشتر ساکنان آن بومی همین محل هستند که سالیان سال و نسل در نسل در ردان ساکنند، بنابراین اگر فردی

زینب‌دبیری | محله ردان روستایی است در جنوب شهر اصفهان بعد از محله یونارت که فاصله آن از شهرستان جی حدود سه کیلومتر است. این محله از ترکیب به دو کلمه رد و آن که نشانه جمع است تشکیل شده است. «رد» در اوستا به معنای بزرگ، سرور و پیشواست به ویژه بزرگ‌مینو را «رد» می‌گویند. در نزد ایرانیان باستان هر چیزی که سودمند باشد در خور ستایش است که برای ستودن موجودات نیک از هر تیره آنها، نمونه ای را که بی‌کاست و برازنده بود برمی‌گزیدند و آن را که «رد» آن تیره شمرده می‌شد، می‌ستودند.

اسم سابق ردان «فوهه» بوده و از مادی روسا ۲۶ سهم می‌برد. ردان در این مسیر پس از دار و فیزدان و قبل از سوراخ سنگ و جشاران است. در این محله در خیابان آبخار سوم، امامزاده ابراهیم قرار دارد که نسبت این امامزاده بزرگ بنا بر روایت معتمدان محل به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد.

برای رسیدن به محله می‌توانی از محله دنارت به سمت پایین محله حرکت کنی و بعد از مشاهده سالن اجلاس و امامزاده ردان به محله ردان که امروزه با نام خیابان نبوت معروف است، برسی. این محله نیز مانند محله دنارت از بافت بومی برخوردار است که وجود باغات و خانه‌های روستایی بیانگر توجه بیشتر مردم به



محله‌ی ردان



بایسته‌های محله محوری



مهدی سلطانی زبانی | از جمله مبانی معمول و متعارف در تحقق سبک زندگی اسلامی ایرانی و توجه به آداب و رسوم آن، محله محوری است؛ که تفاوت به جنبه‌های عملی و ایده‌آل این موضوع، نگاهی عمیق و فراخانی و همراه با بینش صحیح به تاریخچه و رویکردهای کلی از آداب و رسوم رایج در محیط اجتماعی و خانوادگی آنها دارد. در این عرصه لازم است به شاخص‌های ذیل اشاره و توجه شود:

۱. پیوستگی محله محوری با فرهنگ اسلامی و حد رایج آداب اسلامی در زندگی جمعی و فردی اعضای آن
 ۲. تبیین سبک زندگی خانواده‌های محلی در خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، مدیریت زمان و دیگر شئون فردی
 ۳. تبیین آداب و رسوم عملی محله‌های مختلف در اصل ازدواج و معیارهای آن؛ ارتباط با خانواده، خویشاوندان، همسایگان و دیگر آحاد جامعه
 ۴. تبیین رویکردهای عملی محله‌ها در ترویج علم آموزی، آداب، تعلیم و تعلم و تربیت فرزندان
 ۵. سبک زندگی مردم هر محل در اقتصاد، کار و تفریح و روشن شدن جنبه‌های مختلف آن
 ۶. تبیین سبک زندگی اجتماعی محله محوری و مردم محله‌ها در ایجاد و گسترش تفاهم با دیگر اعضا و مردم جامعه
 ۷. جایگاه فتوت و فتوت‌خانه‌ها در محله‌ها و نیز معماری مساجد و دیگر آثار فرهنگی
 ۸. تبیین سبک زندگی مردم یک محل در مقابل با ناهنجاری‌های اجتماعی و نیز تلاش جدی آنان در مبارزه با قانون‌گریزی، کارگریزی و نادیده گرفتن وجدان کاری
 ۹. نقش باورهای مذهبی در تامین آرامش روانی افراد محله‌ها در ادوار زمانی و تاریخی مختلف
 ۱۰. تبیین نقش و جایگاه منشور برادری در تحکیم و پایداری خانواده‌ها و اجتماع محله‌ای و ذکر فواید این اصل در زمان‌ها و ادوار تاریخی گوناگون
- شایان ذکر است که موارد مذکور با نگرش کلی مبتنی بر مرور تاریخ محله محوری بیان شد؛ که هر یک از مولفه‌ها و معیارهای مذکور به طور جداگانه قابل بحث و بررسی تحلیلی است.

در حال حاضر عمده اولویت‌ها تعقیب مسائل فرهنگ شهروندی و توجه و اهتمام جدی به مسائل اجتماعی است

قدیم‌ها زمین‌های هزار جریب محل کاشت گندم بود و کل خیابان سعادت‌آباد فقط به همین کوی کارگران محدود می‌شد که روبه روی آن هندوانه می‌کاشتند. از تاکسی و اتوبوس هم خبری نبود

سعادت‌آباد؛ از خزان باغ‌ها تا تولد خیابان

آن بیابان کجا و این خیابان کجا!

می‌گفت: دروازه شیراز، کوی کارگران. الان در حدود ۱۲ خانواده بیشتر از قدیم اینجا نمانده‌اند. به جای این فضای سبز جلوی کوی کارگران، حدود ۳۰ سال قبل یک تانک بزرگ آب بود که کل محله را آب‌رسانی می‌کرد. بعد آن را برداشتند و جاییش شد فضای سبز کنونی. تقریباً ۱۸ ساله که اسم سعادت‌آباد به خود گرفته است. راستی به لیست کوچه‌های قدیمی محله سعادت‌آباد، شهید نوریان، شهید کاظمی و شهید رفیعیان را هم اضافه کنید. خانواده شهید نوریان هنوز در کوچه شهید نوریان ساکن‌اند. مغازه‌داری که داستان را شنیده وسط حرف آقای زمانی می‌گوید: دیگر خیابان‌ها توسعه یافته و همین سعادت‌آباد از طرف شمال به شیخ صدوق شمالی و فرایبورگ و هزارجریب، از جنوب به چهارباغ بالا، شیخ صدوق جنوبی و خیابان مصلی و از شرق به خیابان سجاد و از غرب به میدان آزادی منتهی می‌شود. چه کسی باورش می‌شد آن بیابان بی‌سر و ته تبدیل شود به این خیابان. حدود هشت سال قبل سعادت‌آباد به آزادگان تغییر نام پیدا کرد اما مردم همان اسم قبلی را می‌گویند.



آن قدیم‌ها کل سعادت‌آباد، یک کوی کارگران بود و خلاص

دل نگرانیت را حسین زمانی برطرف می‌کند. او از ۶۰ سال پیش ساکن محله بوده و سفیدی مو و محاسنش خبر از ۷۵ سالگی‌اش می‌دهد، بازنشسته سیمان سپاهان است و ادامه داستان را این طور تعریف می‌کند: در قدیم زمین‌های هزارجریب محل کاشت گندم بود و کل خیابان سعادت‌آباد فقط به همین کوی کارگران محدود می‌شد که روبه روی آن هندوانه می‌کاشتند. آن روزها از ساعت هشت شب به بعد کسی جرات نمی‌کرد در این محدوده رفت و آمد کند. آن اوایل دروازه شیراز یک بیابان بود به همراه یک دروازه خیلی کوچک. سه، چهار تا از ماشین‌های ویژه جلفا می‌آمدند مردم را سوار می‌کردند و می‌بردند دروازه دولت و بعد هم برمی‌گرداند. نه تاکسی و نه اتوبوسی بود و نه این تشکیلات فعلی. بعدها حدود ۲۲۰ خانه ویلایی (یک طبقه) ساختند و به کارگران کارخانه ریسندگی فروختند و اسم کوی کارگران بر آن گذاشتند. این خانه‌ها تا وسط خیابان فعلی که خط بی. آر. تی هست به چشم می‌خورد. بعداً خانه‌ها را خراب و عقب‌نشینی کردند. ما سومین خانواده‌ای بودیم که ساکن کوی کارگران شدیم. کم‌کم خانه‌ها را از کارگران خریدند و کوی کارگران آپارتمان‌های سه یا چهار طبقه به خود دید. آن زمان هر کسی می‌خواست آدرس اینجا را بدهد

آزاده فخاری | با شنیدن اسم محله سعادت‌آباد یک برداشت ویژه و خاص در ذهن شکل می‌گیرد. اما پایت به خیابان سعادت‌آباد که می‌رسد، همه چیز را که رصد می‌کنی و پای درد دل اهالی می‌نشینی، دیدگاه و نظرت راجع به این محله متعادل‌تر می‌شود. در نگاه اول آنچه می‌بینی ردیف شدن مغازه‌ها کنار یکدیگر است و رفت‌وآمد رهگذران و چند تا خانه ویلایی و کلی آپارتمان و پارک ماشین‌ها پشت سرهم، درست در دل کوچه‌ها و این خط بی. آر. تی. سپس متوجه می‌شوی که سعادت‌آباد فراز و نشیب‌های زیادی به خودش دیده. در زمان‌های فوق‌العاده دور، هزار جریب کوچک، باغ‌های وسیعی بوده که سعادت‌آباد نام داشته و قبل از شاه عباس دوم، به محل سکونت گبران (زرشتیان) اختصاص داده شد. شاه عباس گبران را به انتهای جلفا کوچ داد و به دستور او باغ وسیع سعادت‌آباد و قصرهای سلطنتی احداث شد. باغ سعادت‌آباد بین پل سی‌وسه چشمه و پل خواجو در حاشیه جنوبی رودخانه قرار داشت و این دور در حقیقت در حکم یک باغ بزرگ محسوب می‌شد که رودخانه زاینده‌رود از وسط آن جریان داشت. این باغ قبل از حکومت ظل‌السلطان و در حکومت خانلرمیرزا و پس از آن، از میان رفته است. با از میان رفتن باغ‌های سعادت‌آباد دلت می‌گیرد و می‌پرسی بالاخره آخر و عاقبت آن چه شد؟

داشته‌ها و نداشته‌های این محله

یکی دیگر از کسبه این محله که حدود شش سال قبل مغازه‌ای را در این خیابان اجاره کرده می‌گوید: اسم سعادت‌آباد از خودش بهتر است! یک گالری صنایع دستی کرایه کرده‌ام، اما درآمدی ندارم. اینجا کرایه مغازه‌ها بالا و درآمد پایین است، چون مردم نمی‌توانند در کنار خیابان ماشین پارک کنند و از مغازه‌های دو طرف خیابان خرید نمایند. به خاطر خطبی. خیابان‌های دو طرف خط اتوبوس باریک شده و جای پارک دوپل ماشین‌ها نیست و در صورت پارک، جریمه می‌شوند و یا احتمال تصادف زیاد است. خانم متقی یکی از ساکنان محله هم از نبود سطل زباله در سرتاسر خیابان سعادت‌آباد می‌گوید و اینکه رهگذران در حاشیه خیابان زباله می‌ریزند. صحبت به اینجا که می‌رسد یاد لیوان یکبار مصرف، پوسته شکلات و بستنی می‌افتم که بر روی شمشادهای پیاده روی همین خیابان، به عابران دهن‌کچی می‌کردند. یکی دیگر از مغازه‌دارها هم از نبود سرویس بهداشتی می‌گوید و اینکه مسافران و رهگذران می‌آیند و سراغ سرویس بهداشتی را می‌گیرند. هر چند مسجد سرویس بهداشتی دارد، ولی چند تا کوچه آن طرف تراست. آخر سر، آقای زمانی دعوت مان می‌کند به جشن نیمه شعبان و می‌گوید این تزیینات، چراغانی‌ها و ریسه‌کشی‌ها و تدارک مواد اولیه آش نیمه شعبان، به همت بچه‌های بسیج مسجدالرضا (ع) و با کمک مردم میسر شده است.

اهالی محله فیزادان با اینکه سالیان سال است که در این محل سکونت دارند اما از نبود امکانات شهری در منطقه شاکی هستند که این امر حتی موجب مهاجرت تعداد زیادی از ساکنان شده است

محله ای با قدمت چند هزار ساله

گردن فیزادان زیر تیغ خشکسالی

📍 رینب دیری | فیزادان یا پیژادان در دهستان کراچ در جنوب شرقی اصفهان واقع شده است، این دیه در سال ۱۳۵۵ یکی از دهستان‌های بزرگ منطقه بوده است و از جمعیت فراوانی تشکیل شده بود. ناحیه کراچ نیز یکی از نواحی آباد، سرسبز و خرم اصفهان است که به حکم وجود نام‌های کهن در آن چون دنارت، ردان، گودران و چریان یکی از نواحی کهن تمدن و سکونت ایرانیان قدیم است، اما اکنون به دلیل نزدیکی به شهر اصفهان، شهرگرایی در آن سخت نفوذ دارد و از شیوه‌های زندگی کهن در شئون زندگانی کمتر نشانی در دست است.

پیژادان را در منابع فیزادان هم نوشته‌اند که ترکیب «پی»، «زا» و «دان» که در جزء اول صورت تخفیف یافته واژه آبی به معنای آب است، زا نیز به معنای زایش و زاییدن است و جزء سوم آن دان به معنی محل احتفاظ است که پیژادان به معنای جایگاه آبدار است.

طبق طومار شیخ بهایی این ده در زمان صفویه از مادی روسا ۲۴ سهم داشت و در مسیر مادی روسا بعد از ازوار و کوزیان و قبل از ردان و فودان و دنارت قرار داشته است، در عهد قاجار طبق صورت اداره آب این محل ۳۰

سهم حق آبه می‌برده است، این محله ۳۱ هکتار مساحت دارد. این محله در همان خیابان نبوت یا انتهای محله ردان واقع شده است که از باغات متعدد و کوجه پس کوجه‌های متعدد فراوانی تشکیل شده است.

نزدیکی‌های ساعت ۱۰ که وارد این محل می‌شوی دسته دسته مردمی را می‌بینی که برای خرید اجناسی که فروشندگان برای فروش در چهارشنبه بازار آورده‌اند در کوجه‌ها قرار دارند، همانطور که در حال عبور از محل هستیم دو پیرمرد را مشاهده می‌کنم که در زیر سایه درخت در حال آرامش هستند سلام می‌کنم یکی از آنان عینک ته استکانی‌اش را بالا و پایین می‌آورد و از من می‌خواهد که بلندتر صحبت کنم تقریباً در حال داد زدن هستیم از آنها سراغ یکی از بزرگان محل را می‌گیرم که او به یکی از معتمدان محل که کمی جلوتر ایستاده اشاره می‌کند.

برای راهنمایییم از جایش بلند می‌شود عصایش را جابجا می‌کند و راه می‌افتد کمی جلوتر نزدیک یک میوه فروشی به شخص مورد نظر می‌رسد و با دست او را به من نشان می‌دهد و بعد با حرکت دست از من خداحافظی می‌کند. حاج حسن زارعی از بزرگان محل که

سالیان سال است در محله «فیزادان» ساکن است در مورد تاریخ محله می‌گوید: در مورد تاریخ و وجه تسمیه آن که از چه سالی ساخته شده و اصلاً چرا آن را فیزادان می‌نامند، اطلاعی ندارم، اما در سفری که به مشهد داشتم در کتابخانه آنجا نام این محل در کنار اسامی بسیار تاریخی آمده بود، حتی قبرستانی در نزدیکی این محل قرار دارد که سنگ قبرهای آن متعلق به چند صد سال پیش است که قدمت آن را نشان می‌دهد.

از او در مورد مشکلات محل می‌پرسم، آهی غلیظ می‌کشد و می‌گوید: این محل بسیار قدیمی است بنابراین طبیعی است که شغل مردم این محل هم همان شغل‌های قدیمی مثل کشاورزی باشد اما با نبود آب بیشتر اهالی به شغل‌های دیگر مانند کارگری و حتی دوره‌گردی پناه آورده‌اند تنها کشاورزان منطقه چند پیرمرد هستند که چند جریب زمین زیر نظر خود را اداره می‌کنند.

حاج حسن بزرگ ترین مشکل را نبود آب کافی برای اهالی می‌داند که برای دسترسی به آن باید چاه ۱۰ تا ۲۰ متری حفر شود، اما همین آب هم کفاف کشاورزی را نمی‌دهد و آب کانال هم که قبل‌ها برای کشاورزی استفاده می‌شد قطع شده است.

او به عدم پروانه برای ساخت زمین‌ها توسط شهرداری منطقه اشاره دارد که بسیاری از زمین‌ها را بدون استفاده کرده است، بسیاری از زمین‌ها در طرح کشاورزی هستند و زمانیکه برای ساخت یکی از زمین‌ها به شهرداری مراجعه کردم به من گفتند که این زمین‌ها در طرح پارک کودکان قرار دارد اما بعدها با پرداخت ۲ میلیون موفق شدیم آن را از طرح خارج کنیم و بعد موفق به ساخت آن شدیم.

حاج حسن بهترین مزیت این منطقه را نسبت به محله‌های اطراف برخورداری محله از یک حمام عمومی می‌داند که هنوز هم پابرجاست و مردم می‌توانند حتی از محل‌های مختلف برای حمام کردن به این مکان مراجعه کنند در قبرستان قدیمی محل نیز دیگر هیچ فردی به خاک سپرده نمی‌شود و برای این کار به امامزاده ردان مراجعه می‌شود.

او به اختصاص زمینی در نزدیکی همان قبرستان قدیمی برای ساخت پارک در کنار کتابخانه نبوت اشاره می‌کند و می‌گوید: این کار مدتی است توسط شهرداری آغاز شده و زمین‌ها به مساحت ۵ جریب در اختیار شهرداری قرار گرفته است که امیدوارم این امر نیز به زودی محقق شود.

طبق طومار شیخ بهایی این ده در زمان صفویه از مادی روسا ۲۴ سهم داشت و در مسیر مادی روسا بعد از ازوار و کوزیان و قبل از ردان و فودان و دنارت قرار داشته است



معرفی کانال‌های ارتباطی روابط عمومی



حمیده آذرانی | شهرداری منطقه شش اصفهان از این فزونی امکانات به نحو مطلوب استفاده کرده تا از طریق آنها صدای ساکنان حوزه خدمت خود را بدون مانع بشنود و بدون فوت وقت به رتق وفتق امور بپردازد. آقای موسوی، مسوول روابط عمومی شهرداری منطقه شش یک به یک کانال‌های ارتباطی بین شهرداری و مردم را برای هم‌محله اصفهان زیبا برشمرد.

سامانه پیامکی: علاوه بر شهروندانی که جزء ارباب رجوعان شهرداری بوده‌اند و به شماره‌های داخل پرونده آنها پیامک می‌فرستیم، چندین هزار پیامک منطقه‌ای نیز ارسال کرده‌ایم.

کانال رسمی تلگرام شهرداری منطقه ۶: مطالب ارائه شده در این کانال شامل اطلاعات، پروژه‌ها، اقدامات شهرداری و... است.

نصب بنر به صورت لمپوس در مسیر خیابان‌ها با موضوعات مختلف
نصب بنر معرفی طرح فرهنگی مادران محله به صورت لمپوس و تک پایه در مراکز فرهنگی منطقه

ارسال خبرو چاپ در روزنامه اصفهان زیبا
ارسال خبرو بارگزاری آن در خبرگزاری ایمن
انتقال اطلاعات به شهروندان از طریق صدای شهر: مواردی چون اطلاع‌رسانی برای سمپاشی یا مباحث مربوط به پسماند و زباله از این طریق به اطلاع اهالی می‌رسد.

درگاه الکترونیکی شهرداری منطقه ۶: مراجعه شهروندان به آن برای مطلع شدن از مناقصه‌ها، مزایده‌ها، مباحث آمارنامه شهرداری، آشنایی با محلات منطقه و ...

چاپ بروشور و توزیع بین اهالی محلات: برای موضوعاتی چون مراحل کسب پروانه ساختمانی به چاپ بروشور پرداختم، این کار با هدف رفع ابهام و جلوگیری از سردرگمی افراد انجام می‌گیرد.

تماس مردم با شماره ۱۳۷ که مشکلات، شکایات، انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق آن به ما منتقل می‌کنند.

ارتباط با معتمدان محلات: ما در محلات به دنبال معتمدان و ریش سفیدها هستیم. شناسایی این افراد و همچنین ارتباط با روحانیون مساجد بسیار می‌تواند برای ما در رفع مشکلات محلات موثر باشد. این افراد با زبان خود مردم اطلاعات لازم را به آنها منتقل می‌کنند.

و آخرین کانال ارتباطی ما، شماره تلفن مستقیم روابط عمومی شهرداری است که شهروندان به طور مستقیم و بدون مانع با ما تماس گرفته و مسائل را مطرح می‌کنند.

روزگاری کوچه باغ‌های فیض هر کدام براساس درخت‌هایی که در آن بود نامگذاری می‌شدند مثل کوچه سروستان، کوچه کاج و کوچه باغ اناری و امروز با نام نام‌آوران و شهدای شهر

روایتگران محله فیض برایمان می‌گویند

از چهارباغ امین آباد تا فیض

تا حدی به این خیابان رسیدگی می‌شد. دو طرف خیابان نرده‌کشی و با چمن و شمشاد آراسته شده بود. او درباره مشکلات این خیابان چنین گفت: مهم‌ترین معضل این خیابان قرار گرفتن پزشکی قانونی در این محل است که واقعا برای اهالی محل مشکلات جدی به همراه دارد حتی اگر به عنوان یک عابرپیاده فقط چند لحظه به محدوده اطراف پزشکی قانونی نگاه کنید متوجه خواهید شد که هر روز جیغ، فریاد و گریه افرادی به گوش می‌رسد که نزدیک‌ترین عزیز خود را از دست داده‌اند و همه کنار پیاده‌روها نشسته و آمبولانس‌های معراج به ردیف ایستاده‌اند. با این شرایط واقعا روحیه افراد خیابان آسیب دیده است، زیرا این ماجرا هر روز تکرار می‌شود. اهالی محل تاکنون برای جابه جایی پزشکی قانونی، بارها شکایت پیش مسوولان مربوط برده، ولی نتیجه‌ای نگرفته‌اند.

آقای توکل می‌گوید: ۵۰ سال می‌شود که در این خیابان زندگی می‌کنم. جدیداً در خیابان شهید کیانی فضای سبز زیبایی برای اهالی محل ساخته‌اند که خیلی خوب است، اما با وجود خیابان‌های جدید و پزشکی قانونی و چند بانکی که در این خیابان قرار دارد نبودن پارکینگ برای این خیابان معضلی است.

آقای موقن در مورد خیابان شهید وکیلی و فاضلاب‌های آن چنین بیان می‌کند: فاضلاب‌های این کوچه‌ها برای خانه‌های یک یا نهایتاً دو طبقه کشیده شده، اما با توجه به آپارتمان‌سازی‌ها حالا زمانی که بارندگی می‌شود با مشکل برگشت فاضلاب به خانه‌ها مواجه می‌شویم. اهالی محله فیض از مسوولان مربوط درخواست رسیدگی به مشکلات را داشتند.

حاج آقا رحیم ارباب و شیخ مفید احداث شد رفت‌آمد نیز در این خیابان بیشتر شد.

آقای کاشفی آرایشگر قدیمی و باصفای این خیابان است و با رویی گشاده همانطور که به کار خود مشغول است برایشان از خاطرات ۵۰ ساله خود می‌گوید: انتهای این خیابان به تخت فولاد ختم می‌شود. در زمان قدیم مرده‌ها را با پای پیاده و سردست به سمت تکیه‌ها می‌بردند و این خیابان مسیر بردن مرده‌ها به سمت غسلخانه بود که در کوچه واله (مخابرات کنونی) واقع شده بود. بعد از آن به سمت تکیه‌ها برای خاکسپاری می‌رفتند. بیشتر مراسم‌ها در مسجد رکن‌الملک که یکی از مساجد قدیمی شهر اصفهان است، برگزار می‌شد. او در ادامه به اعتقاد قلبی مردم در زمان شرکت در مراسم‌های مذهبی در مسجد مصلی اشاره کرد و گفت: به یاد دارم که هرگاه مردم می‌خواستند دعای باران را بخوانند همه با پای برهنه از خیابان فیض به سمت مسجد مصلی می‌رفتند تا با نیت خالص و پاک دعا کنند. آنچنان به دعا معتقد بودند که می‌گفتند در راه برگشت مواظب بچه‌ها باشید زیرا هوا آنقدر بارانی می‌شود که برای آنها برگشتن سخت است. با این اعتقاد محکم قدم برمی‌داشتند و نتیجه هم می‌گرفتند.

از زمان‌های قدیم این فلکه و خیابان شاهد مراسم‌های گوناگونی بود. مثلاً در زمان انقلاب اسلامی مسیر تشییع بیکر شهیدان تا گلستان شهدا بود.

آقای احدی پرست ۴۲ سال است که در این خیابان مغازه دارد. او می‌گوید: این خیابان رونق چندانی نداشت اما در گذشته میدان فرودگاه در انتهای این خیابان قرار داشت و مسیر رفت و آمد شخصیت‌ها بود. بنابراین

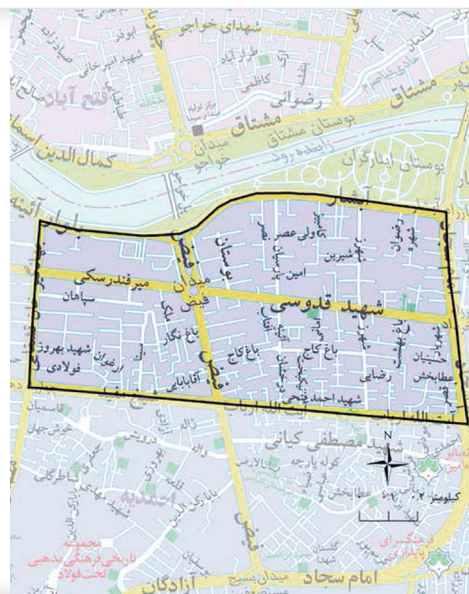
جمعه‌لندی | خیابان فیض در سال ۱۳۲۸ ش به یادبود عارف بزرگ میر محمد صادق ملقب به فیض ثانی (متوفی ۱۳۰۲) نام‌گذاری شد.

میرمحمد صادق نمازی شیرازی چون پدرش از تجار بود، خود نیز سال‌ها تجارت می‌کرده است. وی در تخته فولاد در تکیه‌ای که به همین نام است، به خاک سپرده شد.

مرحوم صدر، خیابانی از جانب جنوب پل خواجه تا دروازه تخت فولاد طرح انداخت که به چهارباغ امین آباد معروف شد و امروز به نام خیابان فیض شناخته می‌شود. و از لحاظ جغرافیایی این خیابان در مسیر قبور و تکایای زیادی از علما قرار گرفته است. صبح یکی از روزهای زیبای بهار ۹۵ است و اصفهان حال و هوایی دلنشین دارد. بر روی پل خواجه که قدم می‌گذاری نسیمی خنک جسم و جان را نوازش می‌دهد. انتهای پل به میدان فیض می‌رسیم میدانی که در اطراف آن خیابان‌های ۱۵ خرداد، میرو فیض قرار دارد. خیابان فیض از ابتدای میدان شروع شده و به میدان بسیج یا به روایت قدیمی تر فلکه فرودگاه ختم می‌شود.

از گذشته‌های دور تاکنون محله‌ها در شکل دهی شهر جایگاه ویژه‌ای داشتند تا جایی که هر شهروند را به نام محله‌ای که در آن می‌زیسته می‌شناختند.

روایتگران محله فیض اهالی آن هستند که سالیان سال است از آن خاطره دارند. خانم سالمی برایمان از کوچه باغ‌های قدیمی می‌گوید. کوچه باغ‌هایی که هر کدام براساس درخت‌هایی که در آن بود نامگذاری می‌شدند؛ مثل کوچه سروستان، کوچه کاج و کوچه باغ اناری و ... او می‌گوید این خیابان رونق زیادی نداشت، اما از زمانی که خیابان‌های



گفت و گو با معاون ترافیک

گلوگاه‌های خطرناک محلات رافع کردیم

کوی امام، همت‌آباد (شهید خلیلی) و شویید کیانی دارای گلوگاه بودند که مرتفع شدند. محلات ردان، کشوری، دنارت و کوی امام از جمله محلاتی بودند که نیاز به سرعت‌گیر داشتند.

مولود افشار | مهندس مهدی الله‌دادی درباره محله‌محوری در حوزه مسوولیت معاونت ترافیک می‌گوید: اگر شهر را به عنوان یک پیکره در نظر بگیریم، خیابان‌های اصلی و بزرگ‌راهی در شریان‌های اصلی پیکره قرار دارند و بعد به شریان‌های باریک‌تر به نام محلات ختم می‌شوند. با وجود تغییراتی که در حالت‌های ترافیکی و گرایش‌های مردم و همچنین افزایش حجم ترافیک در شهر پیش آمده تصمیم داریم در روان کردن ترافیک با امکانات موجود سهمی داشته باشیم. الله‌دادی در مورد برنامه‌هایی که در محلات در دست اجراست اینچنین گفت: در جاهایی که سدها و گلوگاه‌هایی وجود داشته و خطرناک بوده آنها را رفع کرده‌ایم. کوی امام، همت‌آباد (شهید خلیلی) و شهید کیانی از جمله محلاتی بودند که دارای گلوگاه بودند و در حال حاضر مرتفع شده‌اند. همچنین با عرض کردن و امکان دسترسی مردم به محورهای اصلی، سعی در تسهیل عبور و مرور در شریان‌های داخلی داریم. معاون ترافیک منطقه ۶ به پارک ماشین در پیاده‌رو، پیچ‌های باریک و کوچه‌های شش متری اشاره کرد و افزود: در بحث ترافیکی با استفاده از تجهیزات مختلف از جمله گذاشتن میله برای جلوگیری از ورود و پارک خودرو در کوچه‌ها و پیاده‌روها به رفت و آمد روان کمک می‌کنیم. همچنین با استفاده از جداکننده‌های ترافیکی، محور را به دو قسمت تقسیم کردیم تا عبور و مرور به خوبی انجام شود. در جاهایی که وجود یک سرعت‌گیر حس می‌شد با نظارت و کارشناسی معاون ترافیک در آنجا سرعت‌گیر گذاشته شد تا از سرعت خودروها کاسته شود و احتمال بروز تصادف را به حداقل برسانیم. محلات ردان، کشوری، دنارت و کوی امام از جمله محلاتی بودند که نیاز به سرعت‌گیر داشتند. در خیابان نیکبخت با مشکل کمبود جا برای پارک خودرو مواجه بودیم تا اینکه پارکینگ با ظرفیت پارک ۷۰۰ ماشین در آنجا ساخته شد. و با هماهنگی پلیس راهور، تابلوهای توقف ممنوع نصب شد و رانندگان ماشین‌هایشان را به پارکینگ می‌برند، ولی گاهی مواقع شاهد پارک خودرو به صورت دوبله یا در مکان‌های توقف ممنوع با وجود پارکینگ هستیم. این مساله نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. فرهنگ‌سازی در زمینه ایمنی و ترافیک باید از منازل شروع شود، آموزش بدهیم، روی آن کار کنیم و به محورهای اصلی حتی مرکز شهر تعمیم بدهیم. در پایان مهندس الله‌دادی با اشاره به نحوه ارائه خدمات به مردم گفت: به دو صورت این کار انجام می‌شود. ابتدا براساس تقاضای مردم و مشکلاتی که آنها مطرح می‌کنند و سپس با توجه به آینده‌نگری و پیش‌بینی چهار پنج سال آینده، نقاطی که ممکن است در آینده با مشکل روبه‌رو شود، شناسایی می‌شود و با تعامل شهردار محترم منطقه در صدد رفع آن برمی‌آییم.

کوی امام، آبادان مسکن یا رستاخیز سابق محله‌ای با تراکم جمعیت بالا ولی با اوضاع اقتصادی پایین

وقتی دعوا یا تصادفی اتفاق می‌افتد باید به کلانتری ۱۶ زنگ بزنیم. گاهی دیرآمدنشان به خاطر بعد مسافت باعث وقوع اتفاقات بدتری می‌شود. با اینکه پلیس در اینجا می‌چرخد، ولی کافی نیست. پارک ماشین در پیاده‌رو مشکل دیگری است که این شهروند به آن اشاره می‌کند و می‌گوید زمانی که با کالسکه یا ویلچر قصد عبور از پیاده‌رو را داریم با مشکل مواجه می‌شویم. اخیراً شهرداری میله‌هایی در پیاده‌رو گذاشته است تا از این کار ممانعت به عمل آورد، ولی کافی نیست. حجت الله نوری، میوه فروش ۵۴ ساله کوی امام در ادامه صحبت دوستش گفت: اولین تقاضایی که از مسوولان دارم، رسیدگی به وضعیت جوی‌های آب است. که موقع بارندگی به علت تنگ بودن و گیر کردن آشغال در آن، آب به سطح زمین می‌آید و به مغازه‌ها یا زیرزمین خانه‌ها می‌ریزد و مشکلات زیادی درست می‌کند. در ادامه گفت: باید از فضای سبز استفاده بیشتری کرد. غیر از کاشت درختان باید گلکاری هم کرد و به زیبایی آن افزود. آقای

کوی امام یکی از محله‌های منطقه است که به گفته تعدادی از ساکنان قدمت ۵۰ ساله دارد، اما از لحاظ تغییر محله تفاوت چندانی با گذشته نکرده است.



رهگذری که تا حدی حرف‌های ما را شنیده بود گفت: به مسوولان بگویید اجازه ورود کامیون، تریلی و اتوبوس به کوی امام ندهند. صدای آزار دهنده آنها در شب آرامش ما را به هم می‌زند. در ضمن فکری هم به حال آسفالت معابر بکنند. اینقدر روی هم لکه‌گیری نکنند. ابتدا یک زیرسازی انجام شود و سپس یک آسفالت حسابی بکشند که اینقدر خیابان بالا و پایین نداشته باشد. آقای طاهری ۷۲ ساله بازنشسته ارتش که از ابتدای تأسیس کوی امام تا الان در اینجا سکونت داشته در مورد وجه تسمیه گفت: ابتدا به اینجا آبادان مسکن می‌گفتند، سپس رستاخیز نام گرفت. بعد از انقلاب اسلامی به کوی امام خمینی تغییر نام داد و در حال حاضر به نام کوی امام معروف است. به وضعیت پارک محلات و گذاشتن وسایل ورزشی و بازی مناسب است. همچنین برای زیباسازی از گلکاری و آب‌نما استفاده کنند و جهت امنیت هم از نور بیشتری در پارک استفاده کنند.

نشسته و گرم صحبت بودند. وارد جمع صمیمی‌شان شدم و از حال و روز محله و وضعیت کاسبی پرسیدم. آقای ابراهیم طاعت که ۵۵ بهار از عمرش گذشته بود با احترام و بیان روان و شیوایی آغازگر صحبت شد و گفت: حدود ۲۸ سال در این خیابان سکونت دارد. بازنشسته است و در حال حاضر در مغازه لوازم خانگی به پسرش کمک می‌کند. او با اشاره به تراکم بالای جمعیتی گفت: با وجود بالا بودن سطح سواد، مردم منطقه از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار نیستند. اکثر ساکنان را قشر متوسط رو به پایین تشکیل می‌دهند. در بعضی از خانواده‌ها به قدری قدرت خرید کم است که حتی در خرید نان یارانه‌ای هم با مشکل مواجه می‌شوند چه برسد به خرید میوه یا لوازم منزل. سری تکان می‌دهد و می‌گوید: از مشکلات اقتصادی که بگذریم، نبود یک کلانتری در اینجا بسیار به چشم می‌خورد. حتی یک کیوسک نیروی انتظامی هم می‌تواند نیازهای مردم را برطرف کند و امنیت نسبی برقرار کند.

مولود افشار | حوالی ساعت هفت بعد از ظهر بود که وارد کوی امام شدم. تصمیم گرفتم کل آنجا را نگاهی بیندازم و با نگاه بهتری سراغ ساکنان بروم و از محله‌شان بپرسم. در نگاه اول با وجود مغازه‌ها و آپارتمان‌های زیاد، سکوت و خلوتی آنجا بیش از هر چیز دیگری توجهم را به خود جلب کرد. به راهم ادامه دادم. از گردش عصرانه و دور هم نشستن خانواده‌ها و بازی بچه‌ها در پارک‌های محلی هم خبری نبود. چند نفری هم در حال راه رفتن بودند. از ظاهرشان چنان بر می‌آمد که گویی از سرکار برمی‌گردند. در بعضی مغازه‌ها، مشتری به چشم می‌خورد. و در بعضی دیگر، فروشندگان بیرون از مغازه روی صندلی کنار هم جا خوش کرده بودند و با هم صحبت می‌کردند. خانه‌ها را آپارتمان‌های بلند و قدیمی تشکیل می‌داد که معلوم بود جمعیت زیادی را در خود جای داده است. همانطور که در حال گشت زنی بودم، نگاهم به سه پیرمردی افتاد که بیرون از مغازه در پیاده‌رو روی صندلی

پاتوق های فرهنگی آموزشی مادران راه اندازی می شود

تجربیات خود را به اشتراک بگذارید

حمیده آذرانی | مادران به عنوان نقطه ثقل خانواده هستند که مسوولیت هدایت و سکانداری آن را برعهده دارند. مادرانی که گاهی با وجود اشتغال بیرون از خانه باز هم پیش از دیگر اعضا دغدغه تربیت صحیح فرزندان خود را دارند. برای کمک به مادران واجب است محیط هایی در شهرها و محلات برای توانمندسازی و بالا بردن مهارت در راستای رسیدن به زندگی و فرزند پروری ایجاد شود. شهرداری منطقه ۶ پیش قدم شده و کانونی را با عنوان مادران محله تاسیس کرده که برای آشنایی بیشتر با این حرکت خودجوش به گفت و گو با سرکار خانم هادیان، مدیر و مسوول این کانون پرداختیم:

در چند جمله کانون مادران محله را برای خوانندگان توضیح دهید.

مادران محله پاتوقی است محلی، متشکل از مادران محلات مختلف منطقه شش که به دنبال ساختن زندگی بهتر و متعالی تر هستند. مادرانی که به این نتیجه رسیده اند که در کنار دیگر مادران می توانند تجربیات خود را به اشتراک بگذارند و خانه و محله زندگی خود را از لحاظ فرهنگی و اجتماعی رشد و ارتقا دهند.

برنامه های مادران محله

مادران محله در واقع یک پاتوق فرهنگی آموزشی است. مادران محلات مختلف، به صورت هفتگی دور هم جمع می شوند و بر اساس مشورت و نیاز سنجی های صورت گرفته، از مباحث آموزشی در حوزه خانواده استفاده می کنند. بر این اساس برنامه های مادران محله به این شرح است:

- برگزاری کارگاه های آموزشی هفتگی با حضور کارشناسان مجرب

- برگزاری برنامه های تفریحی و فراغتی در طی دوره های آموزشی در قالب اردو و بازدید و ...

- ارائه خدمات مشاوره فردی و خانوادگی

- ارائه محصولات کمک آموزشی

شرایط عضویت در مادران محله

عضویت در طرح مادران محله شرایط خاصی ندارد. همه بانوان منطقه که در بازه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال هستند می توانند به عضویت این طرح در بیایند.

چگونگی درخواست عضویت

با توجه به محلی بودن این طرح و برگزاری برنامه مادران محله در نزدیک ترین نقطه به محل سکونت فرد، برای ثبت نام بر اساس محله خود به مراکز زیر مراجعه شود:

- محله فیض، مرکز فرهنگی ۱۵ خرداد، خیابان آپادانا

- محله آبشار، سالن مطالعه قائم

- محله سعادت آباد، کتابخانه میرداماد

- محله هزار جریب، شهرداری منطقه ۶

- محله کوی امام، مجتمع فرهنگی کوثر

- محله باغ نگار، موسسه فرهنگی هنری اردیبهشت

زمان بندی طرح مادران محله

با توجه به لزوم نظم در برگزاری جلسات مادران محله، ثبت نام طرح هر سال در دو نوبت انجام می شود و در غیر این دو نوبت عضویت در این طرح امکان پذیر نیست.

ثبت نام دوره اول: چهارم تا ۱۶ خرداد

آغاز دوره اول: هفته اول مرداد

گفتنی است پذیرش این طرح در هفت محله باقیمانده از آذر ماه آغاز می شود و همایش ها و برنامه های آموزشی به صورت دوره ای است.

تنها خصوصیت محله کشوری، ساختمان هایش بود که آسمان را نشانه گرفته، وگرنه در بافت تازه تاسیس آن نه آنچنان مغازه و مرکز تجاری در آن وجود داشت و نه مراکز رفاهی و فرهنگی و تفریحی.

کشوری، خوابگاهی به وسعت یک محله

ما آرامش اضافه می آوریم

هم مثل دیگر امکاناتش در حد این بود که اهالی دلشان خوش باشد. تنها موضوع جالبی که در طول مسیر قابل تامل بود، حضور بانوان ساکن محله بود که در ایستگاه های اتوبوس یا سکوی جلوی آپارتمان ها نشسته بودند و صحبت می کردند و یا پیاده روی های دسته جمعی آنها در پیاده روها و کنار درختان توت باغچه های امتداد خیابان بود.

خانم منشیان، بانویی ۶۳ ساله که لبخندش باب صحبت را گشود، درباره کوی شهید کشوری گفت: «هر چقدر دیگر قسمت های شهر از شلوغی و نبود آرامش گله دارند، ما اضافه هم می آوریم. نه سری نه صدایی. امنیت خوبی هم داریم. تنها مشکلمان در دسترس نبودن امکانات است. البته اینجا تازه تاسیس است و ظرفیت ایجاد امکانات را دارد، اما فعلا که خبری نیست. همین حضور ما در ایستگاه اتوبوس این وقت شب برای دورهمی و گذران اوقات فراغت، گویای کمبودهای اینجاست.»

آقای شجاعی که با یک آب پاش و یک دستمال با جدیت مشغول تمیز کردن اتومبیلش بود هم با اخم گفت: «کوی شهید کشوری حالا حالاها جای کار دارد. بعضی جاهای محله، آپارتمان سازی شده، مردم هم در آن ساکن شده اند اما هنوز نه برق کشی خیابان هایش تکمیل شده نه آسفالت اطراف به نتیجه رسیده است. در کل این قصه سر دراز دارد.»

برای این محل برگزیدند. ورودی محل بیشتر آدم را یاد شهرک سینمایی دفاع مقدس می انداخت، تپه های خاکی که محل پارک کامیون های رنگارنگ قدیمی بودند، در بدو ورود از همگان استقبال می کرد.

حدود ۵۰۰ متری که جاده را طی می کردیم، تازه ساختمان های چندین طبقه را که انگار از روی چشم و هم چشمی به یک اندازه تا آسمان اوج گرفته بودند، می دیدی. یک خیابان اصلی در مرکز بود که چندین خیابان فرعی به آن سرازیر می شدند. تنها خصوصیت محل،

در طول مسیر قابل تامل بود، حضور بانوان ساکن محله بود که در ایستگاه های اتوبوس یا سکوی جلوی آپارتمان ها نشسته بودند و صحبت می کردند یا پیاده روی های دسته جمعی آنها در پیاده روها و کنار درختان توت باغچه های امتداد خیابان بود.

ساختمان هایش بود وگرنه نه آنچنان مغازه و مرکز تجاری در آن وجود داشت و نه مراکز رفاهی و فرهنگی و تفریحی. اشتباه نشود، تک و توک مواردی به چشم می خورد، اما برای محلی با این وسعت آنچنان چشمگیر نبود. وضعیت حمل و نقل عمومی آن

معمده آذرانی | وقتی واژه محله را در مورد یک محدوده شهری می شنویم، ناخود آگاه به ذهنمان خطور می کند که آنجا باید یک طول و عرض مشخص با تعداد زیادی خانه های کوتاه و بلند با مغازه هایی ساده و لوکس داشته باشد و مهم تر از تمامی اینها، مردمانی که در آن ساکن هستند و قلب آن محسوب شده و در تعامل با یکدیگر در پویایی محله شان نقش بسزایی دارند. با این اوصاف وقتی نام محله شهید کشوری را شنیدیم، تصورمان از آن دقیقا شبیه همین تعریف بود و متقابلا انتظاراتی هم که در ذهن مان نسبت به آن شکل گرفت، برگرفته از همین پیشینه بود.

اما برخلاف تمامی این اوصاف، محله شهید کشوری به همه چیز شباهت داشت جز محله. شاید نام شهرک شهید کشوری بیشتر از محله مناسب حال و روز آن است. بگذریم. برای ورود به این محدوده شهری، دور راه وجود دارد. یکی از سمت خیابان آبشار سوم است و دیگری از طرف بزرگراه شهید کشوری.

برگزیدن نام شهید کشوری برای این محل، تنها با یک هدف بوده که آن تجلیل و گرامیداشت و زنده نگه داشتن یاد و خاطره امیر سرافراز ارتش اسلام، شهید کشوری است. به دلیل خدمت خالصانه این شهید در ارتش جمهوری اسلامی ایران و همچنین سکونت جمعیت قابل توجهی از نیروهای شاغل در ارتش، این نام را



مصلی؛ محیطی آرام برای زندگی

آب انباری که محله شد

این محله در قدیم بیابان بود و به مرور زمان آباد شد. یزدی های زیادی به این محل مهاجرت کردند و اکثر بازنشسته های محله مصلی که بیش از ۳۵۰ نفرند، در کارخانه منابع فرش و ریسندگی و بافندگی کار می کردند.



آب انباری در محل وجود داشت به اسم آب انبار مصلی که آب مصرفی اهالی محل می شد و هم اکنون این نام آسمان نما معروف است.

چرخه در محله مصلی می زنم. به سه راه شهیدان بابایی می رسم. هنوز مسافتی تا قبرستان مصلی باقی مانده است. تردد در نیمه روز بیشتر شده است. به گفته برخی از اهالی، پارکی در محل برای استراحت افراد مسن و نشستن آنها وجود ندارد. برخی از کوچه ها و پیاده روها به آسفالت و سنگ فرش جدید نیاز دارند. خانم نوری، زن ۵۰ ساله ای که از افراد فعال و دست به خیر محله است با گشاده رویی می گوید: طایفه ها و اقوام فامیلی نوری، اسماعیلی، کریمی و قدیری در این محل از گذشته تا اکنون ساکن هستند. قالیبافی از مشاغل زنان این محل در گذشته بود و اکثر زنان در کارگاه قالیبافی کار می کردند. سپس دستان زمخت خود را نشانم می دهد و با افتخار می گوید: سه تا از دخترهایم را با بافتن قالی و دسترنج خودم با همین دستانم به خانه بخت فرستادم. خنده رضایت بخش مادر مهربان را از نزدیک تماشا می کنم و صبوری و زحمت بی منتش را در دل تحسین می کنم. او از امکانات محله احساس رضایت می کند و اینکه همه افراد همدیگر را می شناسند و محیطی آرام برای زندگی است. تنها مشکل و سرو صدای بی موقع در محله را از جانب مراجعه کنندگان به مجتمع بهزیستی عنوان می کند.

می رفتیم. آب انباری در محل وجود داشت به اسم آب انبار مصلی که آب مصرفی اهالی محل از آنجا تامین می شد و هم اکنون این آب انبار به نام آسمان نما معروف است. مصطفی زرفشانی، پیرمرد ۷۵ ساله از بازنشستگان کارخانه ریسندگی است که با حلاجی کردن خاطرات قدیمی اش خنده ملیحی می کند و می گوید: آن زمان برای خشت مالی خانه ها احتیاج به آب داشتیم که راهی طولانی برای تهیه آب طی می کردیم. در قدیم ساخت خانه با خشت و گل بود. اکثر بازنشسته های محله مصلی که بیش از ۳۵۰ بازنشسته اند در کارخانه صنایع فرش و ریسندگی و بافندگی کار می کردند و شغلشان کارگری بود. ناصر یادگاری از دیگر قدیمی های محله است. قوز پشت سرش حکایت از روزگار پر مشغله اش در ایام جوانی دارد. شکل گذشته محله را این طور معرفی می کند: این محل در قدیم بیابان بود و به مرور زمان آباد تر شد و امکانات بهتری پیدا کرد. یزدی های زیادی به این محل مهاجرت کردند و کوچه ای در این محل وجود دارد که به نام کوچه یزدی ها معروف است. محله پهلوانان معروفی به نام حاج پهلوان فولادی و حاج ارباب را داشت که سال هاست فوت کرده اند. در زیر آفتاب داغ اردیبهشت ماه

تاریخی تخت فولاد به مصلی می آیند. در هر کدام از این مساجد کانون های فرهنگی، هنری و کتابخانه ای برای خدمات رسانی به مردمان محله و بازدیدکنندگان در نظر گرفته شده است. در خود این محل ورزشگاه، فضای تفریحی و پارک محلی وجود ندارد و ساکنان از امکان تفریحی و پارک محله های اطراف استفاده می کنند. وضعیت سواد مردم این منطقه نسبت به وضعیت عمومی شهر در وضعیت نرمالی است و نسبت به گذشته افراد باسواد بیشتر شده است. در نیمه روز اردیبهشت ماه محله مصلی تقریباً پررفت و آمد به نظر می آید. کنار پیاده رو در زیر سایه درختان وارد دل محله می شوم. کوچه ها مسطح و دارای ساختمان هایی نوساز است که خودروها در اطراف آن پارک شدند. تابلوی مجتمع خدمات بهزیستی حضرت ابافضل (ع)، مسجد فاطمیه و دبستان دخترانه فرهنگ در اواسط محله نظاره می کنم. لحظاتی بعد با پرس و جواز اهالی محله با احمد جهان قربان، بازنشسته نیروی انتظامی که از افراد قدیمی محله است، همکلام می شوم. از او در مورد گذشته های محله و خاطراتش می پرسم و در پاسخ می گوید: در قدیم در اینجا آبی برای خوردن وجود نداشت، تا آب ۲۵۰ برای تهیه آب

اکرم کیانی | مصلی به معنی (موضع الصلاة) یا نمازگاه است که فضایی باز و وسیع بوده که مردم به جهت اقامه نماز عید در آنجا حضور می یابند. خیابان مصلی به جهت ایجاد مصلی بزرگ تخت فولاد نام گذاری شده است. نام محله مصلی برگرفته از مسجد مصلی است که هم اکنون بازسازی شده و در آینده به عنوان مصلی نماز جمعه بهره برداری می شود. محله مصلی اما دارای هشت هزار و ۸۰۰ نفر جمعیت است. محله مصلی در سمت شرق شیخ صدوق و در سمت غرب خیابان مصلی قرار دارد. از سوی دیگر از سعادت آباد شروع شده و تا انتهای قبرستان ادامه دارد. در محله مصلی مشاغلی همانند صنعتگران، کارکنان خدماتی و فروشگاههای مشاهده می شود. این مکان برخوردار از مردمان اصیل و بومی است که قریب به ۶۸ درصد ساکنان مصلی متولی شهر اصفهانند و بقیه افراد مهاجرتند. حدود یک درصد خارجی هم در این محل مشاهده می شود. مصلی دارای ۹ مسجد و حسینیه است و با داشتن جمعیت کمتر، ظرفیت فضای آیینی به نسبت بالاتری را داراست. در ایام تعطیل جمعیت بسیاری برای بازدید از مجموعه

شورای فرهنگی اجتماعی محلات تشکیل می شود

اگر شهروندان هویت محلات خود را به خوبی بشناسند، حس تعلق به مناطق در مردم بیشتر شده و در نتیجه می توانند ظرفیت های زیادی برای منطقه ایجاد کنند و نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی احساس مسولیت کنند.

مولود افشار | معاون فرهنگی اجتماعی شهرداری منطقه ۶، محله محوری را سرلوحه برنامه های شهرداری دانست و بیان داشت: در سال گذشته حدود ۱۹۵ محله روی نقشه اصفهان از لحاظ جغرافیایی مشخص شده و سعی ما بر این است که محلات صرفاً در حد خطوط روی نقشه نباشند، بلکه به محلات هویت واقعی داده شود و فراتر از بحث نقشه پیش برود. روح الله فرشاد فردر گفت و گو با هم محله اصفهان زیبا افزود: اگر شهروندان هویت محلات خود را به خوبی بشناسند، حس تعلق به مناطق در مردم بیشتر شده و در نتیجه می توانند ظرفیت های زیادی برای منطقه ایجاد کنند و نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی احساس محله نیز کمک می کند. گذشته از این، احساس تعلق به محله پایه اصلی مشارکت مردم در فعالیت های فرهنگی و اجتماعی محسوب می شود. قطعاً کاری که از مشارکت و همکاری مردم نشأت بگیرد، ماندگاری بیشتری دارد. معاون فرهنگی اجتماعی منطقه با یک مثال، اهمیت نقش همکاری مردم را متذکر شد. وی گفت: اگر جشنی برای یک مناسبت مثلاً نیمه شعبان توسط یک فرهنگسرا برپا شود، معلوم نیست سال آینده با وجود تغییر مدیر، این جشن مجدداً برگزار شود یا خیر. در صورتی که خیلی از جشن های محلی قدمت ۱۰ الی ۲۰ ساله یا بیشتر دارند، با نگاهی به تاریخچه جشن آن محله متوجه می شویم از یک جعبه شیرینی از یک خانه شروع شده و با همکاری افراد محله به یک مراسم بزرگ با پذیرایی بیشتر و بهتر تبدیل شده است. فرشاد فردر گفت: ضرورت محله محوری از این جهت که زیرساخت مشارکت مردم را فراهم می کند، بیشتر به چشم می خورد و با استفاده از نیروی احساس تعلق به محله می توان به برخی نظام ها شکل داد. به طوری که می توان در بحث های زیرساختی هر محله مثل ایجاد مسجد جامع، ایستگاه ورزش صبحگاهی، زمین ورزش، مکانی برای برگزاری جشن ها، کتابخانه... اقدام کرد. وی در ادامه به آئینی به نام شورای فرهنگی اجتماعی اشاره کرد و اظهار داشت: درصدد تشکیل شورای فرهنگی اجتماعی محلات هستیم تا در ارائه خدمات بهتر با شهرداری همیاری و مشارکت داشته باشند. بنا به فرض، مبلغی برای پروژه آسفالت معابر در نظر گرفته شده، در این مورد با شورای فرهنگی اجتماعی محله به گفت و گو می نشینیم تا به ما بگویند کدام محلات و معابر نیاز به آسفالت دارند و باید در اولویت قرار بگیرند. سپس شهرداری تصمیم می گیرد، کارشناسی می کند، نظارت می کند و در نهایت اجرا می کند. با این روش رضایت مردم از کارکرد شهرداری افزایش می یابد و مشکلات محلی نیز مرتفع می شود. معاون فرهنگی اجتماعی منطقه ۶ در پایان به مساله بهبود روحیه کار جمعی اشاره کرد و گفت: از نهادهایی مانند مساجد انتظار می رود کارهای مشترک انجام دهند و روحیه کار جمعی را در مردم بالا ببرند.

هزار جریب از میدان آزادی شروع شده و تا ترمینال صفه ادامه دارد. عمده شاغلانی که در این محله سکونت دارند، از گروه شغلی متخصصان هستند. قریب به ۴۰ درصد افراد مهاجرند.

محله ای محصور به چهار برج

از باغ عباس آباد تا هزار جریب

و خوشبختانه از امنیت خوبی برخوردار است. آقای امانی از دیگر ساکنان ماندگار محله می گوید: هزار جریب از میدان آزادی شروع شده و تا ترمینال صفه ادامه دارد. بومی های محله بیشتر از مهاجران هستند. افراد مهاجر از جنوب، شمال، استان چهارمحال و بختیاری و اطراف اصفهان به اینجا آمده و در این محل ساکن شده اند.

به گفته اهالی هزار جریب، همیشه عبور افراد غیر بومی زیادی به این خیابان دیده می شود. وجود دانشگاه اصفهان، مرکز فنی شهید مهاجر، فنی و حرفه ای در خیابان کارگر و ترمینال صفه رفت و آمدهای اشخاص غیر بومی را مضاعف می کند. به دلیل نبود پارکینگ، گاهی اوقات ترافیک در اطراف خیابان و کوچه ها فوق العاده زیاد است. آسفالت بعضی از کوچه ها نیاز به مرمت دارد. تعدادی از درختان هم به علت بی آبی در حال خشک شدن هستند که نیاز به کاشت درختان و آبیاری آنها برای حفظ محیط زیست منطقه و رفاه حال ساکنان محله احساس می شود.

از کوچه ششم هزار جریب به سمت پیاده رو می آیم، شلوغی پیاده رو، صف ممتد تاکسی ها که اطراف خیابان و میدان را محصور کرده اند، اتوبوس هایی که از هر خطی به میدان منتهی می شوند، تردد عابران پیاده برای انجام مشغله های روزمره و خرید در نیمه روز در هزار جریب و کوچه های آن به وضوح قابل مشاهده است.

صفه به دلیل وجود ادارات و دانشگاه اصفهان در همه ساعات روز فوق العاده پر رفت و آمد و شلوغ است. خانه های آپارتمانی، نوساز و سر به فلک کشیده و درختان سرسبز وسط کوچه ها چشم هر رهگذری را به خود جذب می کنند. آقای دانشیار، پیرمرد ۸۲ ساله در کوچه در حال پیاده روی است. بسیار با نشاط و سرزنده به نظر می رسد و چند کتاب را در دستش حمل می کند.

بعد از احوالپرسی با او هم صحبت می شوم. در زیر سایه درختان به دیوار تکیه می دهد و باطمینان در مورد پیشینه هزار جریب می گوید: در قدیم و قبل از

به گفته اهالی بومی های محله بیشتر از مهاجران است. افراد مهاجر از جنوب، شمال، استان چهارمحال و بختیاری و اطراف اصفهان به اینجا آمده و در این محل ساکن شده اند

احداث دانشگاه به این شکل، زمین بایری در اینجا بوده به مساحت هزار جریب که به دانشگاه واگذار شد و بعدها این خیابان به این اسم معروف شد. درختان کاج زیادی در این محل بود که در گذشته به خیابان کاجیان معروف شده بود و اکنون این خیابان را به نام ملاصدرا می شناسند. این محل افراد باسواد زیادی دارد و استادان و متخصصان در این محل ساکن هستند

اکرم کیانی | در گذشته انتساب باغ هزار جریب به شاه عباس اول، آن را به باغ «عباس آباد» مشهور کرد. پیتر دلاواله که در زمان شاه عباس اول از اصفهان دیدن کرده است، اولین سیاح اروپایی است که از باغ هزار جریب سخن رانده است. انتهای چهارباغ بالا و کوه صفه زمین مسطح و مربع شکلی بوده است که به دستور شاه عباس باغ بزرگی احداث شده که چهار گوشه اش به چهار برج آراسته بوده و تقریباً به باغ عباس آباد معروف بوده است. یکی دیگر از اسامی آن، هزار جریب بوده و این اصطلاح از آن زمان معروف شده است. محله هزار جریب هم اکنون دارای سه مسجد صاحب الامر، المهدی، قدس و چهار ورزشگاه، استخر و مراکز تفریحی متعددی در بخش خصوصی است.

محله هزار جریب فعلی حدود ۱۸ هزار نفر جمعیت و بعد خانوار ۳/۱ است. اکثر خانواده ها در منطقه با یک فرزند زندگی می کنند. ۱۴ درصد از جمعیت این محله در سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ در مقطع دکترا بوده اند و این مکان دارای افراد فرهیخته ای است. عمده شاغلانی که در این محله سکونت دارند، از گروه شغلی متخصصان هستند. هزار جریب از محله های اصیل و قدیمی اصفهان است و قریب به ۴۰ درصد افراد مهاجرند.

هنگام صبح از میدان آزادی وارد هزار جریب می شوم. ابتدای خیابان کنار پیاده رو تاکسی های مبارک و شهرضا به صف ایستاده اند. اتوبوس ها در ایستگاه و در اطراف میدان در حال ترددند. دور تا دور میدان و خیابان هزار جریب به سمت



طرحی که فرهنگ می‌سازد؛

من پاک بان شهرم هستم

معاونت خدمات شهری با اجرای طرح‌های آموزش شهروندی، توانسته موفقیت ۸۰ درصدی در کاهش زباله خارج از نوبت داشته باشد.

زهرا السادات کاظمی | معاون خدمات شهری در راستای اجرای برنامه‌های محله‌محور، شناسایی معتمدین محل را مهم‌ترین برنامه عنوان کرد و گفت: برای خدمات‌رسانی بهتر به محله‌ها معتمدین محل شناسایی شده‌اند تا از طریق این معتمدین مشکلات مردم شناسایی و برطرف شود.

مهندس ستاری در ادامه افزود: نوع نگرش معتمد بسیار به ما کمک می‌کند و در خصوص مشکلات تبادل نظر می‌کنیم. با توجه به همکاری معتمدین محل، مشکلات بررسی و حل می‌شود.

وی در ادامه به فعال بودن معتمدین برخی از محلات و البته بی‌توجهی برخی دیگر اشاره کرد و افزود: محلاتی مثل همت‌آباد، مصلی و نیکبخت معتمدین فعالی دارند و مشکلات مردم مرتب منعکس می‌شود. سال گذشته در محله همت‌آباد بحث زمین‌های آزادسازی شده که وضعیت نامناسبی داشت و مردم شاکی بودند مطرح و مساله پیگیری شد. زمین‌ها پاک‌سازی و بعضی از آنها آسفالت شده و برای پارکینگ محلی استفاده می‌شود. وی مشکل زباله خارج نوبت را یکی از مشکلات محله عنوان کرد که با تعامل و آموزش مردم توسط کارشناسان وضعیت بهتری پیدا کرده است.

ستاری در خصوص حمل زباله در محله همت‌آباد با وجود کوچه‌های باریک و دراز و مشکلات انتقال زباله توسط مردم گفت: طرحی را کارشناسان سازمان خدمات شهری در دست اجرا دارند که در آن، ما برای کوچه‌ها کارگرد در نظر گرفتیم تا زباله‌ها را از درب منازل به سر کوچه منتقل و تحویل ماشین‌های حمل زباله دهند تا مشکل مردم کمتر باشد.

وی با ایجاد صندوق‌های نگهداری زباله در سرکوچه‌ها مخالفت کرد و گفت: این طرح در حال حاضر در تهران اجرا می‌شود، ولی این کار باعث بی‌نظمی شده و هر کس هر زمان اراده می‌کند زباله می‌گذارد. بوی تعفن و شیرابه وضعیت بدی را ایجاد می‌کند. سال‌های گذشته اصفهان این طرح را تجربه کرد، ولی موفقیت‌آمیز نبود.

ستاری اجرای طرح‌های آموزش برای شهروندان محلات را یکی از برنامه‌های معاونت برای کاهش زباله خارج از نوبت عنوان و تاکید کرد که توانسته موفقیت ۸۰ درصدی داشته باشد. وی می‌گوید: به زودی ایستگاه بازیافت ثابت در همت‌آباد احداث می‌شود و در دستور کار است. وی از اجرای طرحی با عنوان «من پاک بان هستم» خبر داد و در تکمیل خبر گفت: به مناسبت روز زمین پاک، برچسب‌هایی با این شعار تهیه و در پمپ‌بنزین‌ها به مردم تحویل شد تا به شیشه خودروها بچسبانند. هدف طرح، فرهنگ‌سازی برای جلوگیری از انداختن زباله در سطح شهر بود.

بنا به گفته معاون خدمات شهری شهرداری منطقه ۶، استقبال مردم از این طرح بسیار خوب بوده و در نظر دارند این برچسب‌ها با گرافیکی بهتر در میان مردم توزیع شود.

محله همت‌آباد، محله‌ای است که تا به حال اسم‌های متفاوتی داشته است، اما این عوض کردن نام‌ها چندان نتوانسته چهره‌اش را عوض کند.

همت‌آباد و کوچه‌های یک متری اما باصفا

یک تار مو، مرز محله‌های مرفه‌نشین و محروم



چندان از محله راضی نیست و می‌گوید: «ما تا سه‌ساله ۵۰۰ متر بیشتر فاصله نداریم، اما آنجا کجا و اینجا کجا. آنجا زمین متری ۱۰ میلیون و اینجا یک میلیون.» پیرمرد که بازنشسته ذوب‌آهن است گفت: «این منطقه یک مکان تفریحی یا یک پارک بازی برای بچه‌ها ندارد. شب‌ها توی این خیابان همه دوپل پارک می‌کنند و باعث تصادف می‌شوند و یک پارکینگ ندارد.»

مردم این منطقه از نظر اقتصادی بسیار پایین هستند و قدرت ندارند که خانه‌هایشان را با هم ترکیب کنند و مجتمع بسازند. این را یکی از محلی‌ها می‌گوید و ادامه می‌دهد: «من خودم یک شیروانی کوچک زدم تا باران نزند. شهرداری برای من یک ونیم میلیون جریمه بریده است. ما قدرت پرداخت این جریمه‌ها را نداریم. اینجا خانه بزرگ کم است و به ندرت به ۱۰۰ متری می‌رسد. این محله بیش از ۲۰۰ شهید دارد و سه سردار، سردار لاری، مودنی و غازی. حقش نیست وضع این محل به این صورت باشد.»

راهم را به سمت خیابان الفت کج می‌کنم؛ خیابانی که شور و هیجان بیشتری دارد و انگار مرکز خرید مردم به حساب می‌آید. مردی روی یک گاری چوبی که قدیم‌ها دست فروش‌ها رویش فروشنده می‌کردند، آلوچه می‌فروخت. خیابان شلوغ و پررفت و آمد بود و کمی متفاوت تر از خیابان اصلی همت‌آباد و این محله را به حجتیه و سپهسالار وصل می‌کند و انتهای خیابان مرز مرفه‌نشین و فقر است. تفاوت فاحش محله‌ها غیر قابل هضم است.

است؛ خانه‌هایی که به زحمت به ۷۰ متر می‌رسد.

حمل زباله دردسری بزرگ

خانمی مسن که ۲۵ سال در محله ساکن بوده گفت: «تقریباً محله خوب است، اما معتادها آزارمان می‌دهند. زباله‌ها را وقتی می‌بریم سر کوچه، کیسه‌ها را پاره می‌کنند تا بازیافت پیدا کنند. کوچه‌ها آنقدر باریک و دراز است که مردم باید یکی یکی زباله‌ها را تا سر کوچه حمل کنند و دردسری است»

این محله بیش از ۲۰۰ شهید دارد و سه سردار؛ سردار لاری، مودنی و غازی. حقش نیست وضع این محل به این صورت باشد

این حمل زباله، سریکی از کوچه‌ها محل تجمع زباله مشخص است و رد پای شیرابه‌ها، عباسی، بازنشسته ذوب‌آهن، ۴۸ ساله است و ساکن محله. محله را اینطور توصیف می‌کند: «اوایل که ما آمدیم زمین‌ها اینجا ارزشی نداشت و سه تومان می‌فروختند. کم‌کم از اطراف، افراد مختلف آمدند. اکثر مردم اینجا مهاجرند. از زابل، خرم‌آباد، شهرضا و اقوام ترک و لر در این محل زندگی می‌کنند. مردم آن زمان دو چرخه هم نداشتند و وسیله‌ای نبود که بخواهند بیایند داخل کوچه. برای همین کوچه‌ها را باریک ساختند. اسم محله، اول مفت‌آباد بود (زمین‌هایش ارزان بود) بعد شد همت‌آباد.»

زهرا سادات کاظمی | محله همت‌آباد با ۶۳ هکتار از بافت‌های فرسوده منطقه ۶ است. چون زمین‌هایش بسیار ارزان و خاستگاه مهاجران و گرجیان بوده است. گفته می‌شود عابدزاده، دروازه بان تیم ملی ایران، بازی‌اش را در زمین‌های خاکی این محله شروع کرد. این محله با تقدیم ۲۴۲ شهید، محله نمونه کشور شناخته می‌شود و اکثر مردم آن کارگر صنایع نساجی و ذوب‌آهن بوده‌اند. محله همت‌آباد قبلاً مفت‌آباد بود. بعد شد همت‌آباد و حالا به اسم شهید خلیلی شناخته می‌شود. این را مغازه‌داری که ۴۲ سال است سر نشین خیابان کاسب است می‌گوید.

کاسبی که آدرس محله را داد می‌گفت: «این محله از نظر اقتصادی و فرهنگی ضعیف است. کوچه‌های یک متری دراز، یکی از ویژگی‌های محله است. خانه‌ها کوچک است و زمین‌های بایر زیاد دارد.» از همان اول خیابان توجهم به ساختار محله جلب شد. به هر کوچه می‌رسیدم دقت می‌کردم و با تعجب کوچه‌هایی دیدم که فقط یک موتورسیکلت از آن عبور می‌کرد و واقعاً یک متری بود. وارد یکی از کوچه‌ها شدم که انتهایش باز پیچ و خم داشت. یاد کوچه‌های محله مسجد علی در هسته مرکزی شهر افتادم. اغلب همسایه‌ها جلوی درب خانه‌ها را آب و جارو کرده بودند و پیرزنی تازه داشت درب حیاطش را با زحمت باز می‌کرد تا آب پاشی کند؛ لذتی که فقط در کوچه‌های قدیمی پیدا می‌شود. زنان همسایه چادر به سر همدیگر را صدا می‌کنند تا برای رفتن به مراسم همسایه دیگر آماده شوند. همین چیزها صفای کوچه‌های تنگ و پر همسایه، با خانه‌های کوچک

نیم رخ محلات منطقه شش

محله هایمان را دقیق تر بینیم



نقشه محلات این شماره برگرفته از شناسنامه فرهنگی اجتماعی محلات منطقه ۶ می باشد

به سفارش معاونت فرهنگی شهرداری منطقه ۶

صاحب امتیاز شهرداری اصفهان، مدیرمسئول دکتر مهدی جمالی نژاد سردبیر مجتبی شاه مرادی

شهرمجاهد

اصفهان، میدان امام حسین (علیه السلام)، خیابان طالقانی
مقابل آرک جهان نما تلفن ۳۲۲۱۸۱۸۲ فاکس ۳۲۲۱۹۰۷۰

دبیر ویژه نامه محمد آذرانی تحریریه لیلا کهلانی، زهره سادات کاظمی، مولود افشار، آزاده دبیری، حمیده آذرانی، سعیده زاده هوش
آزاده فخاری، نجمه لندی، اکرم کیانی، طاهره جعفری، منیره فهامی سرویس عکس پژمان گنجی پور طراح گرافیک محمد حسن لطیفی

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴ / پنجشنبه ۶ خرداد ۹۵ / ویژه اهالی منطقه ۶ اصفهان